

چرامصری‌ها خواستند باردیگر جنگ علیه اسرائیل
آغاز کنند

به برلین کنی درادینو
بین‌المللی نندارتون

Ketabton.com



پیام

بنا غلی محمد داود رئیس دولت و صدر اعظم به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد اعلامیه حقوق بشر ملل متحد

مسروم از اینکه تجلیل سالگره بیست و پنجم
تصویب اعلامیه حقوق بشر ملل متحد را در
افغانستان افتتاح می‌کنم.

فعالیت های سازمان ملل متحد در ساحه
حقوق بشر به تصویب اعلامیه حقوق بشر که
حاوی اساسات این حقوق بود محدود نشده
بلکه باتدوین این حقوق در میثاق های دوگانه

حقوق بشر و پروتوکول اختیاری آن که در
سال ۱۹۶۶ از طرف مجمع عمومی ملل متحد
تصویب گردیده دوام پیدا کرد.

تاسیس کمیسیون حقوق بشر برای مطالعه
دقیق و اختصاصی مسایل مربوط به حقوق

بشر و فعالیت های آن پیشرفت های مزید را
در این ساحه میسر ساخت.

افغانستان در امور و فعالیت های حقوق
بشر ملل متحد علاقه‌مندی فراوان نشان داده

و سهم فعال در تدوین میثاق های حقوق بشر
وامور کمیسیون حقوق بشر گرفته است.

نقش افغانستان در تدوین پروتیب تعیین
سر نوشت ملل و بعداً در فعالیت های مربوط

به شناخت این اصل بحیث یکی از حقوق
اساسی بشری موثر بوده و مورد تقدیر قرار

گرفته است.

چون نظر به پیشنهاد کمیته فرعی حقوق
بشر و حمایت اقلیتها که افغانستان عضو

آن است مجمع عمومی ملل متحد دهه‌انکشاف
حقوق بشر را تصویب نموده و قرار است

این دهه با تجلیل سالگره بیست و پنجم
تصویب اعلامیه حقوق بشر آغاز یابد. امید
دارم که تطبیق موفقانه پروگرام این دهه
بهمکاری همه کشور های جهان در انکشاف
حقوق بشر بحفظ کرامت بشری و بالنتیجه
درتأمین صلح و امنیت بین المللی تاثیر
عمده داشته باشد.

افغانستان با پشتیبانی کامل از پروگرام
دهه انکشاف حقوق بشر آماده است درتأمین

اهداف اساسی آن مطابق به روحیه دهه
انکشاف همکاری لازمه نموده و سهم فعال

بگیرد.

امید داریم کتله های که تاکنون از حق
تعیین سر نوشت خویش محروم مانده اند

در آینده نزدیک موفق به استفاده از این حق
اساسی خود گردند.

آرزو مندیم حکو ماتی که پس از سیسهای
تبعیض نژادی را در پیش گرفته اند وظایف

خود را مطابق به اعلامیه حقوق بشر درک
نموده و درغصب حقوق اساسی مردمان محروم

اصرار نورزند.

سفیر جمهوریت دیمو گراتیک آلمان نامه اش را بحضور رئیس دولت تقدیم کرد



بناغلی فریدناوند تون سفیر کبیر غیر مقیم جمهوریت دیمو گراتیک آلمان در کابل هنگام
تقدیم اعتماد نامه اش بحضور رئیس دولت و قاصر گلخانه ریاست جمهوری

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر داد که بناغلی فریدناوند تون سفیر کبیر غیر مقیم جمهوریت دیمو گراتیک آلمان ساعت یازده قبل
ازظهر ۱۸ قوس بحضور بناغلی محمد داود رئیس دولت در قصر گلخانه ریاست جمهوری شرفیاب شده و اعتماد نامه اش را طبق تشریفات معمول
تقدیم نمود.
در این موقع بناغلی وحید عبدالله معین سیاسی وزارت امور خارجه نیز حاضر بود.

رئیس دولت بیست و پنجمین سالگره اعلامیه حقوق بشر را طی تلگرامی به والد هایم تبریک گفتند

بناغلی محمد داود رئیس دولت و
صدراعظم طی تلگرام عنوانی بناغلی
کورت والد هایم سر منشی مو سسه
ملل متحد بیست و پنجمین سالگره
اعلامیه حقوق بشر را تبریک گفته و
اظهار عقیده نموده اند که تجلیل
جهانی بیست و پنجمین سالگره
اعلامیه حقوق بشر ملل متحد و سهم
گیری موثر همه کشور های جهان
در انکشاف حقوق بشر تطبیق جهانی
پرنسیپ های مندرجه در منشور ملل
متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر
اعلامیه اعطای آزادی به سر زمین ها
و مردمان تحت استعمار و اعلامیه احای
همه اشکال تبعیض نژادی را سبتر
و سر بعتر خواهد ساخت.

بناغلی محمد داود رئیس دولت
و صدراعظم در این تلگرام از نقش
موثر و فعالی که سر منشی ملل متحد در
راه تطبیق پرنسیپ های متذکره ایفا
میکند اظهار خرسندی نموده و
علاقه‌مندی و همکاری کامل جمهوریت
افغانستان را در ایسن راه اظهار
فرموده اند.

تاسیس شورای عالی اقتصادی منظور رشد

تدقیق وضع عمومی انکشاف اقتصادی و اجتماعی، تدقیق و تثبیت تدابیر اساسی برای تطبیق پالیسی های اقتصادی و اجتماعی، و تدقیق پیشرفت فعالیت های انکشافی مملکت علاوه بر موضوعات دیگر که به پالیسی اقتصادی و اجتماعی کشور ارتباط پیدا کند مورد بحث شورای عالی اقتصادی قرار می گیرد.

برای ترتیب و تنظیم و تطبیق موثر تصامیم شورای عالی اقتصادی یک بود اقتصادی که مشتمل بر اشخاص مسلکی افغان باشد تاسیس میگردد. وظایف عمده شورای عالی اقتصادی قرار آتی میباشد: تدقیق و تطبیق خطوط اساسی اقتصادی و مالی.

زراعت و آبیاری، معادن و صنایع، فواید عامه تجارت، معین سیاسی وزارت امور خارجه، معین وزارت پلان و رئیس دافغانستان بانک در هر ماه جلسه عادی خود را دایر میکند. معین وزارت پلان بر علاوه عضویت بحیث منشی شورای عالی اقتصادی نیز موظف گردیده است.

مجلس عالی وزراء در جلسه دبروز خود که تحت ریاست ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم افغانستان دایر گردید تاسیس شورای عالی اقتصادی را منظور نمود. شورای عالی اقتصادی تحت ریاست ښاغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم و عضویت ښاغلو معاون صدارت عظمی، وزیر مالی،

دولت جمهوری افغانستان افتخارات ملی کشور را حفظ میکنند

در جلسه ۲۱ قوس کنفرانس بین الحکوماتی پالیسی های کلتوری ممالک آسیایی بعد از آنکه نمایندگان اتحاد شوروی، فیلیپائن، جاپان، اندونیزیا و ایران در باره پالیسی های کلتوری شان بیانیته ها ایراد نمودند.

پوهاند دکتور نوین وزیر اطلاعات و کلتور و رئیس هیات افغانی اظهار داشت و رئیس هیات افغانستان جداً از مفاخر علمی ملی دفاع مینماید و نمیکند که دیگران افتخارات ملی کشور ما را از خود بدانند.

پوهاند دکتور نوین که به اکثریت آراء بحیث معاون رئیس کنفرانس انتخاب گردیده است اضافه نمود که رجال علمی و فرهنگی کشور ما مانند ابن سینا، البیرونی، بهزاد، بیسقی، مولانای بلخی، ابونصر فارابی و غیره از جمله فرزندان نامور افغانستان و دنیا میباشد.

وی گفت در پالیسی کلتوری که دولت جمهوری افغانستان طرح کرده و همچنان در بیانیته موسس و رئیس دولت جمهوری افغانستان ښاغلی محمد داود که بتاريخ اول سنبله ایراد کردند درباره حفظ و انکشاف ثقافت افغانستان توجه زیاد مبذول گردیده است.

در جلسه ۲۱ قوس که تحت ریاست پوهاند دکتور نوین صورت گرفت نمایندگان کوریای جنوبی، پاکستان و هند نیز بیانیته های شانرا ایراد کردند.

بیست و پنجمین سالگره اعلامیه حقوق بشر

روز ۱۹ قوس بیست و پنجمین سالگره تصویب اعلامیه حقوق بشر در ادیتوریم پوهنتون کابل با قرائت پیام رئیس دولت توسط دکتور عبدالحمید وزیر عدلیه و رئیس انجمن دوستان ملل متحد تجلیل گردید.

پل تیره افتتاح گردید

پل تیره شهر گردیز که بامصرف بیش از دو میلیون افغانی تکمیل گردیده روز ۱۷ قوس توسط ښاغلی غوث الدین فایق وزیر فواید عامه افتتاح گردید.

وزیر فواید عامه هنگام افتتاح پل در اجتماع اهالی و مامورین شهر گردیز گفت نظام جمهوری برای خدمت مردم افغانستان بمیان آمده و آرزوی قایدملی ما ښاغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم اینست که برای ترقی وطن و آرامی مردم با همبستگی هموطنان عزیز بکوشیم تا کشور آباد و مردم آسوده زندگی بنمایند.

این پل سی و دو متر طول و ده متر عرض داشته و از بودجه دولت اعمار گردیده است.

در مواقع افتتاح پل تیره ښاغلی روشن احمد شاه والی پکتیا، تورن جنرال سراج الدین قوماندان قول اردوی آنولایت و رئیس سرك های وزارت فواید عامه حاضر بودند.

وزیر فواید عامه شام ۱۷ قوس بکابل عودت کرد.

متخصصین وزارت معادن و صنایع

ذخایر مس را در لوگر

سطا لعه میکنند

پوهاند عبد القیوم وزیر معادن و صنایع قبل از ظهر ۲۳ قوس از معدن مس در ناحیه عینک لوگر بازدید نمود. ناحیه عینک تقریباً به فاصله پنجاه کیلو متری جنوب کابل موقعیت دارد. در این ساحه سه گر وپ متخصصین انکشافی مس جیو فزیک و توپو گرافی معروف مطالعه و تثبیت ذخیره مس میباشند. در موقع بازدید وزیر معادن و صنایع از ساحات مس، ښاغلی عبدالحمید مبارز والی لوگر و یکمده از متخصصین داخلی و خارجی ریاست سروی معادن هم با وی همراه بودند طبق یک خبر دیگر وزیر معادن و صنایع ساعت چهار و نیم عصر روز ۲۳ قوس به کابل عودت نمودند.

زارغان ولایت هلمند:

۱۱ هزار تن گندم را

در بدل قرضه های

زراعتی تحویل

داده اند

بازده هزار تن گندم را زارغان ولایت هلمند در بدل قرضه های کود کیمیاوی، تخم بذری و تراکتور تحویل داده اند. یک منبع ولایت هلمند گفت: زارغان ملرکور در سالهای گذشته کود کیمیاوی تخم بذری و تراکتور را طور قرضه گرفته بودند.

منبع اضافه نمود حکومت جمهوری منظور مساعدت بادهقانان و تقویه بنیه اقتصادی شان گندم مازاد آنها را از قرار فی سیره ۴۰۰ افغانی بعضی قرضه شان قبول نموده است. در حالیکه فعلاً در بازار های ولایت هلمند یک سیر گندم بیست سی و هشت و چهل افغانی خرید و فروش میگردد.



شنبه ۲۴ فوس ۱۳۵۲ برابر بسا ۲۰ ذيقعدہ ۱۳۹۳ مطابق ۱۵ دسمبر ۱۹۷۳

اعلاميه جهاني حقوق بشر

مجمع عمومي مو سسه ملل متحد بتاريخ چهارم دسمبر ۱۹۵۰ فيصله نامه ای را به تصویب رسانید که به موجب آن از تمام کشورها و موسسات ذی‌علاقه تقاضا میشود تا روز دهم دسمبر هر سال را روز حقوق بشر شناخته و این روز را بحیث روز اعلامیه جهانی حقوق بشر تجلیل کنند، و مساعی خود را در زمینه پیشرفت و ارتقا بشریت در جهات مختلف اقتصادی و اجتماعی بیشتر سازند. از آن تاریخ به بعد، دهم دسمبر در اکثر قسمت‌های جهان روز حقوق بشر اعلام گردید.

تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر از طرف موسسه ملل متحد بیست و پنج سال پیش اقدام فوق‌العاده مهمی بود چه اعلامیه مذکور یکی از با صلاحیت‌ترین اسناد عصر حاضر بشمار میرود. اقداماتی که مجمع عمومی ملل متحد در قسمت بر آوردن حقوق مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تمام افراد بشر اتخاذ کرده طی فیصله نامه‌ها و میثاق‌های ازین حقوق مردم، در سر تا سر جهان پشتیبانی نیز نموده و به منظور تحقق این اهداف قدم‌های شمر برداشته است ولی با وجود آنهم نایل آمدن به این مقاصد و دست یافتن باین اهداف سر یع و اسان نیست. چه اگر تمام افراد بشر قبول کنند که تامین حقوق بشر بوسیله همکاری‌های بین‌المللی امکان پذیر است، بازهم موانع جدیدی بوجود می‌آید که باید بر آنها فایق آمد.

همین اکنون، هستند بسیاری از کشورها نیکه تا بحال نتوانسته‌اند به آزادی و استقلال خود برسند و هستند کشورهایی که تا هنوز مسأله اختلاف رنگ و نژاد و عدم موجودیت قوانین که تبعیض نژادی را دامن می‌زند و باعث بروز مشکلات و درد سرهای بسیار میشود، در آن کشورها حکمروایی دارد. افغانستان از جمله نخستین کشورهای عضو سازمان ملل متحد است که اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضا و از فیصله نامه‌ها و میثاق‌های آن پشتیبانی نموده است.

دولت جمهوری افغانستان برای تحقق اهدافی که کمیسیون حقوق بشر در قبال خویش دارد در جهت تامین و تعمیم صلح، حق تعیین سر نوشت ملل و علیه جنگ، استعمار و تبعیض نژادی اظهار آمادگی نموده و آنچه را سازمان ملل متحد برای پیشرفت و تامین حقوق بشر در دنیا معمول داشته از آن حمایت خواهد نمود.

صرف تحولات انقلابی واقعی کشور را قادر خواهد ساخت استقلال ملی خویش را تحکیم نماید و با اطمینان بیاری خداوند بزرگ (ج) در شاهراه ترقی اقتصادی و اجتماعی گام نهد.

محمد داؤد

رئیس دولت وحدت افغانستان

درد فترت‌ساز

همه دوستانی که با مسایل مختلف اجتماعی علاقمند هستند، گردو.

آن مرد، که با اندازه‌ای از عصیان‌ش کاسته شده و حالت عوض کرده است، بطرفم خیره میشود. چشمانش را تنگ می‌سازد و بروهایش را بهم نزدیک میکند و پیشانی‌اش را جبین می‌دهد و میگوید: ولی نوشته‌هایم را که من برای نشر سپرده‌ام حتماً قابل دارد که چاپ شود.

من با شما موافق هستم. پس باز هم منتظر بمانید تا نوبتش برسد.

نه من باید مطمئن شوم که در کدام شماره نشر میشود.

خوب است. مضمون و شعرتان تحت چه عنوانی بود. تا بگویم چه وقت نشر می‌شود.

شعری داشتم تحت عنوان...

و به فکر فرو میرود. بالايش فشار می‌آورد و بعد از مدتی دستش را بالا می‌برد و انگشت وسطش را با شصت می‌چسباند و آوازی از آن درمی‌آورد و میگوید: مضمونم تحت عنوان چی... همی... یادتی از گذشته‌ها است ولی اشعارم را بخاطر ندارم.

دوسیه‌ها را یکی از پی دیگر می‌گردم. تا اینکه پس از زحمت زیاد مضمون آثار را می‌یابم.

با وجودیکه این مضمون را یکبار خوانده بودم و میدانستم که قابل نشر نیست. دوباره یکجا پانویس شده‌اش می‌خوانم.

به زعم خودش نوشته عالی بود و همانطوریکه مضمون را می‌خواند بعد از هر سطر تعریف هم میکرد. ولی چه عرض کنم بهر صورت پس از گفتگوی زیاد توانستم قناعت او را حاصل کنم.

اورفت. ولی زود بر می‌گردد چون یادداشت‌هایش را می‌بیند تا نام اشعار و نوشته‌هایش را بیابد و بعد برویم سراغ دوسیه‌های مضامینی که از نشر باز میماند.

چندین مرتبه است که دفتر مجله مراجعه میکنم و هر بار مضمون و یا شعری برای نشر بشما می‌سپارم و در هر بار از طرف یکی از اعضای شعبه می‌شنوم که میگوید: مضمون تا آنرا خواهیم دید و اگر قابل نشر باشد بشما وعده میکنیم که چاپ خواهد شد.

ولی هر مرتبه آنکه بعد از یک هفته انتظار مجله بدسترسم قرار می‌گیرد، مضمون و شعری از من در مجله نیست.

دیگر حوصله‌ام سر رفته. دیگر نمیتوانم خاموش بمانم.

باید صاف و پوست کنده علت را برایم واضح سازید.

این کلمات از دهی مردی خارج میشود که هفته پیش وارد دفتر مجله میشود و عصیان‌ش زیاد و بدون مقدمه دارد و بیاد راه می‌اندازد. و بعد در حالیکه از خشونت و سرافروختگی زیاد نمی‌تواند کاملاً سکوت کند و زیر زبانش آهسته و غم‌غم میکند منتظر جواب میشود.

و من به آرامی برایش می‌گویم:

بخشید مضامین و اشعارتان را به چه کسی داده‌اید؟

اسمعی را نمیدانم. چون هر دفعه اینک اینجا آمده‌ام بایکی از کارکنان مجله برخورد کرده‌ام که...

خوب. پس حتماً اشعار شما نشر خواهد شد. شاید تا بحال نوبتش نرسیده. شما بهتر میدانید مطالب ارسالی که جهت نشر به مجله ژوندون میرسد خیلی زیاد است و ما تا آنجا که هستیم به ترتیب نوبت نوشته‌هایم را که قابل نشر باشد چاپ کنیم.

در بالای همین نوشته‌ها و مطالب که از طرف یکده دوستان برای من میرسد مطالبی هم وجود دارد که از یک نشریه خارجی کاپی شده و یا اینکه از نظرهای مختلفی قابل نشر نمی‌باشد. تلاش ما اینست تا سطح مجله ژوندون هر چه بیشتر بالا برود و مطابق خواسته



اسلام دین زندگی

عمل خود مانعی بزرگ جلو پیش نیروهای استعماری قرار میگیرد . اسلام آمدن انسان و انسانیت را از تاریکی هابسوی نورروشنی رهنمون شود ، یسوع ترس و هراس را از دوش او بردارد و زنجیر بردگی را درهم بشکنند .

اسلام تنها عقیده ای نیست که با اسرار آن در وجدان و ضمیر کفایت شود و تنها فکری نیست که ذهن را فرا گیرد بلکه اسلام عبارت از عقیده و عملی است که بر اساس یک نظام کامل استوار بوده هدف آن تأمین یک حیات مطمئن و مرفه در پرتو خدا پرستی و خدا شناسی میباشد .

اسلام وقتی میتواند این رسالت جهانی و بشری خود را انجام بدهد که از زندگی جدا نگردد و از آلام و مصائب انسانی چشم نبوشد و زمانی دین و اقامتین زندگی و همیشگی شده میتواند که با حیات انسانها بیامیزد و قدم بدم ایشان را در طریق پرخطر و دشوار گذار زندگی رهبری کند .

ازینجاست که اسلام همه جهات زندگی را در نظر گرفته علایق ذات البینی انسانها را دستور میدهد، در لغت ها و احوال، نظامی وضع بقیه در صفحه ۵۶

قوانین وضعی ای که از صیغه اسلام رنگت نگرفته، نتوانسته است تحت تاثیر مصلحت طبقه بخصوصی نرود چنانچه این وضع در بس

اعلامیه جهانی حقوق بشر

یک ربع قرن پیش از امروز، سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد.

تاریخ نویسان آینده نیز این روز را در جهت رسیدن به استقلال و آزادی بین المللی تجلیل خواهند کرد.

و اما قبل از وقت خواهد بود اگر بگویم که انسان امروز بشکل عام و نام اعلامیه جهانی حقوق بشر در ادراک و استنباط نموده، مواد آنرا قابل عمل میداند. هستند تعداد زیادی از کشورها که ارزشهای این بزرگترین سند آزادی و برابری حقوق انسانها را به فراموشی می سپارند.

در اینجا به مناسبت بزرگداشت روز جهانی حقوق بشر مقدمه و بعضی مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر را به چاپ میسازیم. باید تذکر داد که: اعلامیه مذکور دارای سی ماده می باشد.

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر انسانها اساس آزادی و عدالت و صلح و رفاه جهان تشکیل میدهند، از آنجا که شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی با اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را بعضیان را داشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد ترس و فقر فزاینده باشند بعنوان بالا ترین آمار بشر اعلام شده است.

از آنجا که اساس حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر بعنوان آخرین علاج بقیام برضد ظلم و فشار مجبور نگردد.

از آنجا که اساسا لازم است توسعه و روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد.

از آنجا که مردم ملل متحد باور خود را بحقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجددا در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزاد تر وضع زندگی بهتری بوجود آورند.

از آنجا که دول عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادی های اساسی را با همکاری موسسه ملل متحد تامین کنند.

از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت باین حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد کمال اهمیت را دارد. اساسنامه عمومی این اعلامیه جهانی حقوق بشر را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام میکند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع این اعلامیه را دایما در مدنظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها، چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها میباشد، تامین گردد.

ماده اول - تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند

و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابر اند همه دارای عقل و وجدان میباشد و باید بحسب یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده دوم - (۱) هر کس میتواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصا از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی هاییکه در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره مند گردد.

(۲) بعلاوه هیچ تبعیضی بعمل نخواهد آمد که منتهی بوضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخصی یا آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل تحت قیمومت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن بشکلی محدود شده باشد.

ماده سوم - هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده چهارم - احدی را نمیتوان در بردگی نگاه داشت و داد و ستد بردگان بهر شکلی که باشد ممنوع است.

ماده پنجم - احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

ماده ششم - هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا بعنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود.

ماده هفتم - همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و باالسویه از حمایت قانون بر خور و از شوند همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی بعمل آید بطوری تساوی از حمایت قانون بهره مند شوند.

ماده هشتم - در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن

حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر بمحاکم ملی صالحه دارد.

ماده نهم - احدی نمیتواند خود سرانه توقیف حبس یا تبعید بشود.

ماده دهم -

هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش بوسیله محکمه مستقل و بر طرفی، منصفا و علنا رسیدگی بشود و چنین محکمه در باره حقوق و التزامات او با هر اتهام جزایی که باو توجیه پیدا کرده باشد انتخاب تصمصم ینماید.

ماده یازدهم :

(۱) هر کس که متهم بجرمی شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تامین شده باشد تصمصم او قانونا ثابت گردد.

(۲) هر کس حق دارد هر کشور و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

(۲) هیچکس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل بموجب حقوق ملی یا بین المللی جرم شناخته نمیشده است محکوم نخواهد شد. بهمین طریق هیچ مجازاتی شدید تر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق میگرفت در باره احدی اعمال نخواهد شد.

ماده دوازدهم -

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه و مکانات خود نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده سیزدهم -

(۱) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

(۲) هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

ماده چهاردهم -

(۱) هر کس حق دارد در برابر تعقیب شکنجه و آزاد پناهما کسی جستجو کند و در کشور های دیگر پناه اختیار کند.

(۲) در موردی که تعقیب واقعاً بشتر بجرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتار هایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمیتوان از این حق استفاده نمود.

ماده پانزدهم -

(۱) هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد.

(۲) احدی را نمیتوان خود سرانه از تابعیت خود بلا حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ماده شانزدهم -

(۱) هر زن و مرد بالغ حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا گیش باهمدیگر زنا شویی کنند و تشکیل خانواده بکنند در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط بازدواج، دارای حقوق مساوی می باشد.

(۲) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

(۳) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

کنفرانس صلح ژنیو و آینده شرق میانه

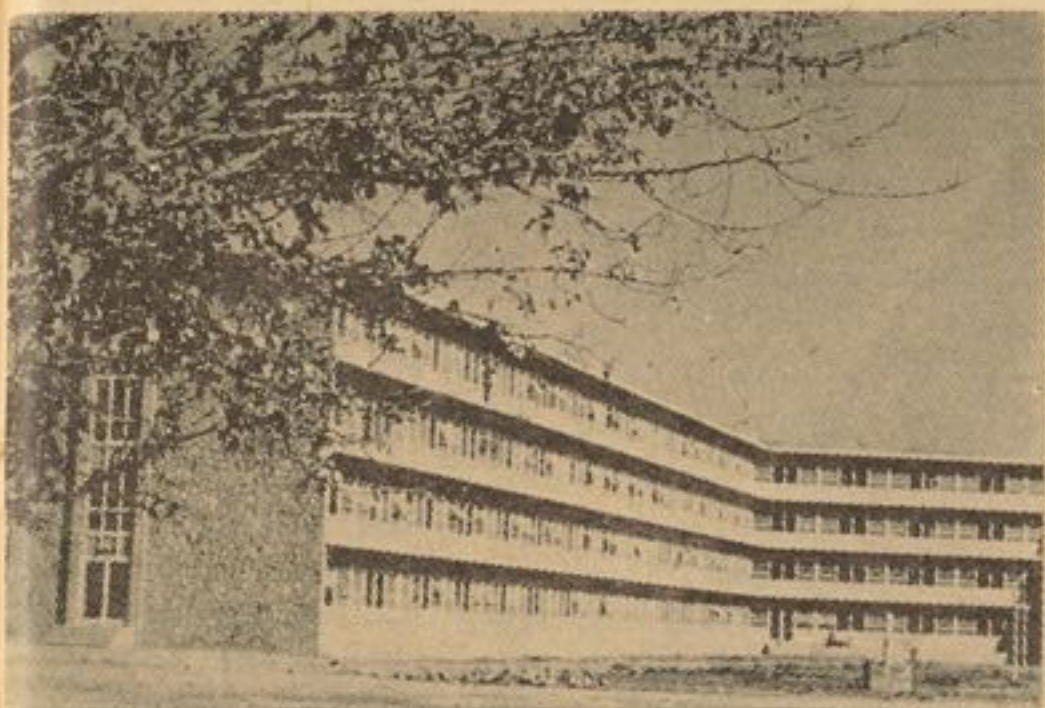
کنفرانس صلح ژنیو قاطع، عادلانه و واقعینا نه باشد، در غیر آن کنفرانس ژنیو نیز در جمله سایر تشبیهات مساومت آمیز بین المللی در حصار ختم بحران شرق میانه بی نتیجه خواهد بود.

وضع عمومی پیش ازین کنفرانس:
اوضاع عمومی پیش از آغاز جلسات کنفرانس صلح ژنیو به نفع عربها انکشاف مینماید زیرا موقف حق بجا نب آنها، ایشا ترا هم در جنبه داخلی و هم در صحنه بین المللی نیرومند تر ساخته است در جنبه داخلی سیاستشان در زمینه استفاده از نفت بحیث روز بروز قویتر و نزدیکتر میشود یک حربه در حل مشکل شرق میانه چنانچه هفته پیش باز تصمیم گرفتند تو لید نفت شانرا پنج فیصد دیگر هم کمتر سازند، اما وزیر امور نفت عربستان سعودی روز سه شنبه گذشته در واشنگتن اطمینان داد که اگر ایالات متحده امریکا واسرا نیل خروج قوای اشغالگر اسرا نیلی را از سر زمین های عربی تضمین نمایند آنگاه عرب ها بر تصمیم شان در حصار کاهش تو لید و صدور نفت شان بکشورهای طرفدار اسرا نیل تجدید نظر خواهند کرد و باینصورت باز نفت عربها برای کشور های غربی جریان خواهد یافت.

اثرات کنفرانس الجزایر در دو هفته

اخیر معلوم می شود که کنفرانس الجزایر در اتحاد واتخاذ یک موقف واحد عربها اثرات خاصی داشته است همین کنفرانس بود که بر عیر آن ملل عربی موقع داد تا انکشافات اخیر را با سوال اتحاد کامل شان مجدد

پوهنتون د عیاد گاه



نهایی از لیلیه پسران پوهنتون کابل

بسوی عدد ۹۸۳۰ می لغزد ...
از دحام در خیابان های پوهنتون
کمتر میشود ، همه بسوی صنف
ها میروند و گوش به لکچر و درس
استادان میدهند ...
اما هنوز ، صحنه پوهنتون پر از
جوانان است ، یکی درس می خواند
دیگری قدم می زند ، دسته بی گرم
گفتگو اند .

بسوی کتابخانه پوهنتون میروم ،
این کتابخانه از جمله غنی ترین -
کتابخانه های شهر ما بشمار میرود
در آنجا کتاب های مختلفی و جود
دارد و بقول يك منبع آن ، روزانه
گروه کثیری از محصلین ، از کتاب
های آن استفاده میکنند .

نگاهم ، از یکسوی کتابخانه ، به
سوی دیگر میروم و بدنبال بهانه ای
وسوژه ای میگردم ، کسی را میجویم
که یا او به گفتگو بپردازم ...
در گوشه ای ، جوانی را می بینم
که کمی عصبانی به نظر می رسد ،
گاهی خود را با کتابی مصروف می -
سازد و زمانی بسوی دروازه نگاه
میکند . او تنها نشسته است ، بسوی

جیب ها پنهان شده ...

جاکت های رنگارنگ ، پوهنتون
را شکل جالبی می بخشد .

يك دسته دختران ، در گوشه ای
ایستاده اند و با صدای بلند ی
می خندند ... يك لبخند آن ها ،
جوانی را تا آنجا کشانیده و بهانه ای
برای خندیدن آن ها پیدا شده ...
کم کم آفتاب گرم و گرمتر میشود ،
عقربه های ساعت آهسته آهسته

لحظه ها و قصه ها و ماجرا های جوانان در
پوهنتون

محصله ای که با وجود تربیه دو فرزندش
تحصیل هم میکند ...

- خوب ... دکه ... دگیشه بگو . هفته ، مدیر مجله برایم گفته بود
- هه ... هه ... هنوز به سرویس
بالا نشده بودم که او را دیدم ...
خیلی بطرف من سیل میکرد ... هه ...
هه هم ... طرفش خنده کدم ...
بیچاره ... تا اینجا ... او نه آمد ...
و به گیر شما افتید ...
واژه سخن باران کردن ...
بعد صدای خنده و قهقهه بلند
می شود ، جوانان که از آنجا می -
گذشتند همه با تعجب ، آنها را تماشا
میکردند ...
راستی ، فرا موش کردم ، مقدمه
این راپور را بنویسم ... آری ادرین



کافه تریایی پوهنتون کابل که
روزانه تقریباً برای چهار هزار محصل
پوهنتون غذای خوب و ارزان تهیه
میکند .

جوانان



کتابخانه مجهز پوهنتون کابل دانشجویان را از مراجعه به کتابخانه های دیگر بی نیاز ساخته است

به ساعتش نگاه میکند ، بعد میگوید : میدهد :

— بسیار خوب ... ولی زود باشید — تمام دو ران تحصیل جوانان که ناوقت شده .

پراز خاطره است ...

از او سوال میکنم :

— در کدام پوهنځی درس می — و گفتگوهای دوستانه ، شوخی ها

و مزاح ها ، همه خاطراتی است ، که همیشه می ماند .

از او می خواهم ، تا درباره خودش

بگوید ، درباره شمولیت خود و در

باره کانکور ... درین لحظه ، قی

درچشمانش میدرخشد ، نیمی

خوشحال میگردد ، آنوقت میگوید :

— پوهنځی انجنیری ، صنف

لشکر گاه و طلای سفید

در لشکر گاه اهالی هفته سه روز در منازل خود هم از صرف نمودن گوشت خودداری میکنند.

پروژه نهر شمالان جدید سیتواند بشکل بهتری اصلاح شود

امسال حاصلات پنبه در تمام مناطقی که زارعان به کشت پنبه می پردازند بصورت بیسابقه بیشتر شده است. بنیاعلی حفیظ الله رئیس موسسه پنبه و روغن نباتی هلمند گفته است: مجموع خریداری پنبه از اول میزان تا ۱۵ قوس امسال دارد.

موقعی که در لشکرگاه بنیاعلی پوهاند پژواک والی و مامورین عالی-رتبه آن ولایت را ملاقات کردم به مطالب مهم و ارزنده پی بردم که درین راپور از نظر خوانندگان عزیز مجله ژوندون میگذرد.

پوهاند پژواک گفت: - مسایل عمده ایست که باید جدا به آن رسیدگی شود: عرایض فراوانی که همواره بدفتر خودم و سایر مامورین میرسد و وقت زیاد کار را میگیرد. به این عرایض هم نباید بی توجهی کرد. شکایات عمده مردم و نابسامانی هایی که از رژیم گذشته مانده مسایل حل نشده آنوقت را باید حل فصل کرد و در ضمن پلان های انکشافی جمهوری را که برای رفاه مردم و آبادی کشور طرح میگردد با بست

مجددانه پیش برد. چون در همین مجلس بنیاعلی رئیس موسسه پنبه و روغن نباتی هلمند هم حضور دارد می پرسیم: - بنیاعلی رئیس، من در محوطه فابریکه با کوه بزرگ پخته مقابل شدم، معلوم میشود که حاصلات پخته امسال بیشتر است. او می-گوید: حاصلات پنبه خیلی زیاد است کوهی را که مشا هده کردید هنوز قسمتی از حاصلات می باشد، جریان خریداری پنبه ادامه دارد. می پرسیم:

- کشت پنبه برای زارعان اقتصادی تر است یا سایر... حرم را قطع میکند: - بلی بخصوصی که دولت کشت پنبه را تشویق می نماید، ما روزانه مبالغ هنگفتی را نقداً به زارعان پنبه کار می پردازیم... امسال ممکن است فابریکه بصورت سال تمام فعالیت داشته باشد در حالیکه سالهای قبل چنین نبود. پوهاند پژواک به ادامه حرف های او میگوید:

- در نظر داریم کدام هایی تهیه نمائیم تا محصول جمع شده را در آن نگهداری کنیم. می پرسیم:

- پوهاند صاحب... شما موفق به باز کردن مشیت عدّه استغاده جو شدید که در زمین های دولتی برای نفع شخصی خود پنبه و گندم زرع کرده بودند... پژواک میگوید:

- بلی... حاصلات شان ضبط شد این حاصلات که قرار بود چند نفر بصورت شخصی از آن استفاده کنند آنقدر زیاد بود که جای نگهداری آنها نداشتیم، لذا مقادیر زیاد آنها به کندهار و هرات فرستادیم... درین وقت بنیاعلی رئیس محکمه میگوید:



اکنون میله خلیج درینجا برگزار میشود، در نقطه همواری در داخل شهر لشکرگاه

وبعد نهر جدید را دیدیم . آنوقت پوهاند پژواک باتاثر فراوان گفت :
- درین پروژه جدید ، یعنی نهر جدید طو ریکه متخصصین گفته اند در حدود ۱۷ ملیون دالر مصرف شده که از نظر من بکلی یکه پروژه بی ثمر است و بدان می ماند که خانه رنگ شده را دوباره رنگ کنیم و یادر اتاقی بالای فرش های خوب آن فرش جدیدی گسترده شود . این زمین ها همه سیرا بند پس نهر جدید را بکدام منطق برای همین زمین ها ساخته اند ؟

من که زمین های مذکور را دیده ام می پرسم :

زمین های مذکور همه آباد و سیراب بودند و به آب بیشتر احتیاجی ندارند ، حتی آب بیشتر باعث خرابی آن خواهد شد ، در حالیکه در سمت دیگر نهر جدید تپه ها بی وجود دارد که نمی توان از نهر جدید استفاده برای آن صورت داد .

پژواک میگوید :

- همین مطلب است که انسان را گنج میسازد ، ولی من فکری برای اصلاح این پروژه کرده ام که می خواهم آنرا در یک فرصت مقتضی بامقامات ذیصلاح درمیان بگذارم . بعد بناغلی والی برای اینکه فکر خود را درست تر تشریح کرده باشد با من بطرف دشتی براه افتاد که در نزدیکی آن محل واقع بود . پژواک گفت :

- اگر آب نهر جدید بالای این دشت هدایت شود این زمین های خشک بقیه در صفحه ۶۳



این گوشه از کوه پنبه است . امسال حاصلات پنبه بیشتر از هر وقت دیگر می باشد

هنرمند يک‌هوش خاصي را اساسي



«شاعر» در سال ۱۹۳۱ روی چوب‌کنده شده است

هنر سوابینسکی بازندگی ملی انکشاف یافته و شیوه خاصی را اقوام داده که بصفت نمونه باقی خواهند ماند و بیانگر زندگی شمرده خواهد شد

تمثال هائی می بینم که ما کس سوابینسکی در پورت رت های استثنائی و صاف دقانه که از نظر روانشناختی عمیق و بی مانند اند بجا گذاشته است ما نند پورت رت های میچاها هاو لیچیک، نیرودا، منیس - لیس دو وراک، سمیسا نا، ورجلیکای جیرانسیک، سالدا، نیومن، والکر، فیوچک و یکده زیاد دیگر.

هنر سوابینسکی بازندگی ملی انکشاف یافته و شیوه خاصی را اقوام داده که بصفت نمونه باقی خواهد ماند و بیانگر زندگی شمرده خواهد شد. سال روز تولد وی انگیزه یکده جشن های دیگری در هنگام نخستین نمایش جامع آثاریکه این هنرمند در دوره حیات خود پدید آورده گردید.

محل تولد هنرمند، قریه موراوین واقع در کرو میریز زیارتگاه هزاران تماشاچی شد اکنون نیز نمایشی از آثار این هنرمند در بزرگترین سالون نمایشگاه های پراگ برای مدت ۴ ماه دایر میباشد و در تابستان برای مردم براتیسلاوا مقدور خواهد



پورت رت سوابینسکی - کار خودش با قلم



جری داکر - گالری ملی پراگ کار شده با ذغال

هر فرد چکو سلواکیا اسم ماکس سوابینسکی هنر مند ملی را در ردیف جوزوف مین و میکو لاس الس دو هنر مندی که عنوان بزرگترین پایه گذاران شیوه ای هنری چک شناخته میشوند قرار میدهند - و درین قضاوت حق بجانب هستند زیرا سوابینسکی به شکل هنری و بطور با شکوه و خاصی زیبایی و ایدآل های انسانی را منعکس میسازد در این آثار در خشکی خور شید با طرز دید خوشبینانه توام بایک شادی و تهیج با هم عجین شده و در عین زمان در آنها زیبایی و فریبایی ریالیستی نیز بطور جامعی مشهود است. مثلاً هده نقاشی های وی فریبنده حواس و ربایند نگاه و الهام بخش افکار است.

اگر کسی خواسته باشد که رجال برجسته ملی را از بین کمپوزران شاعران نویسنده - نقاشان و سیما ستمنداران و سایر شخصیت هادر نظرش مجسم سازد ما بصورت قطعی این قیافه ها را در

شد تا از این نمایشگاه دیدن نمایند سرگذشت زندگی هنری ماکس - سوابینسکی از طرف گالری ملی در پراگ با تصاویر و شرح آثار هنری او به نشر سپرده شده و سرپرستی نمایشگاه را وزارت کلتور جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا بعهده گرفته است.

همزمان با این نمایش بزرگ در مرکز، تماشاچیان و علاقمندان میتوانند در مراکز دیگر در لیبریک، چپ و غیره در گالری های مناطق شان کلکسیون کوچک تر آثار مشهور او را مشاهده نمایند.

تمام عمر این هنرمند وقف تجلی روح ملی در نقاشی های او شده است ازین جهت مردم با فهم بیشتر آثار او را بهتر از گذشته دوست

میدارند و به آثارش علاقه میگیرند و به این منظور برای بازدید از نقاشی هایش رنج سفر را تحمل میدارند. او هنرمند محبوب مردم است و حتی در زمان حیات خود در نتیجه موفقیت های شایان هنری به شهرت و افتخارات محسوس نائل گردیده که همه محصول پشت کار و عشق و علاقه بزرگ او به هنرش بود. او پرو فیسور اکادمی هنر گرافیک در پراگ بود. دکتری افتخاری داشت و یکده جوایز بزرگ را در طول حیات خود نصیب شده بود که مهمترین آن، جایزه صلح چکوسلواکیا میباشد.

سوابینسکی تا آخرین روز های حیاتش روز های که بسیار پیر شده بود، هنوز هم پر از نیروی خلاق

گذشت و آنرا دوام داد



«ستودیو» بارنک روغنی در سال ۱۹۱۶ کار شده است

و نوآفرین بود، زندگی برای او
عالیترین افتخارات را بارمغان آورد،
او را بمقام هنرمندی ملی رسانید و او را
بصفت یکی از بزرگترین شخصیت
های بانقوذ کلتور ملی و یک نفر
هنرمند که خود پایه گذار شیوه
خود بود و آنرا ادامه داد بما عرضه
کرده است.

بامشاهده آثار او نسل ها علاقه
و عشق به طبیعت را چنانچه خود
هنرمند آنرا دوست میداشت
خواهند آموخت (طبیعت را تحسین
کن نام یکی از کتب اوست) و
مخصوصا تابستان و فصل گلهاء
پروانه ها دروگری و صغای خاص
درخشش خورشید و فعالیت
به روشنائی آن را فرا خواهند
گرفت.

(فصل درو) یکی از نقاشی های
بسیار ارزنده اوست که با رنگ
روغنی کار شده و در سال ۱۹۲۷
به ملت چکوسلواکی اهداء شده
است.

سوانیسیکی حتی در سال های که
بسیار پیر شده بود ساعت ها
در کارگاه که خودش آنرا «پایان»
میخواند - می نشست - بنسل
بقیه در صفحه ۶۳



«سرمین غریب» در سال ۱۹۰۰ بارنک روغن کار شده است

روزنه ای بسوی تاریکیها

یا دداشت از: لیل - تنظیم - از دیدبان

بابی شر می چشم در چشمم
میدوزد و بعد با سرانگشتانش بسته
و گره بسته را لمس میکند و میگوید:

- بگیر!

بعد بی آنکه صبر کند، بی آنکه
منتظر من شود، گره بسته را باز
میکند و پنج بسته صد افغانیکی را
روی فرش، درست در مسیر نگاهم
ردیف میکند و با وقاحت میگوید:

- هر چه باشد، محسن خان یکمرد
است، مردی که بآنچه بگوید عمل
میکند. این هم پنجاه هزار افغانی،
همانطور که وعده کرده بود.
مکت کوتاهی میکند و میگوید:
- حالا باید بفهمی که همه مردها
یک رنگ نیستند، جواد و محسن،
زمین تا آسمان با هم فرق دارند.
دهنش را کج میکند و بانیشخند
تحقیر آمیزی دوباره تکرار میکند:
- جواد و ...

و من مثل دیوانه ها فریاد میکشم:

- خجالت بکش عمه! خجالت.
اشکی که دور چشمانم حلقه زده
است، میخواهد روی گونه هایم
بغلطد، اما من جلو آنرا میگیرم و در
عوض بطرف پولها حمله میبرم،
یک بسته آنرا میگیرم و با دستهای
لرزان و ناتوانم میخواهم تکه و پاره
اش کنم. نوت ها نونو است و من
به آسانی با ینکار موفق نمیشوم
و فقط میتوانم مقداری از آنرا از میان
دو، نیم کنم. مثل کسیکه گرفتار
رعشه شده باشد، سر تا پا یسم
میلرزد، آنچنان که حتی نمیتوانم
تعادل را نگهدارم.

عمه وقتی



په برلین کې دراديو بين المللی نندار تون

د دوهم ځل د پارلا دغه نندار د دغسی
نندار تون لپاره کوربه شوی دی



د راديو بين المللی نندار تون په ۱۹۷۳ کال کې چې په برلین کې د دوهم ځل لپاره پرانيستل شوی ، په حقيقت کې دارو پا خورا لوی نندار تون وچې د راديو تخنيک او همدا رنگه دخپرو نوي تفريحي اېڅ په مکه دایر شوی و.

پدې مناسبت دلويديز برلین د نندار تقریبا شپاړلس زره د هوډل بستري خرڅي شوي اوزيات میلمانه راغلي و.

د راديو پنځوسمه کلیز هـ:

په عین زمان کې چې دغه نندار تون جريان درلود (د اگست له ۳۱ نه د

سپتمبر ته نهمې پورې) په دغه نېټه کې په آلمان کې د راديو د زیریدني

د نندار تون (۲۵۳) غره فی د (۲۴) هیوادونو څخه چې په مجموعی ډول د ۳۷۱ فابریکو او موسسو څخه یی نمایندګي کوله واقعاً ډیر په زړه پورې و.

له جاپانه تر هانګ کانګه پورې او د شمالي کوریا څخه نیو لی تر امریکا

اخیستو نکی او خرڅو ونکی یو بل سره مفاهمه کوي

او منځ ته راتلو پنځو سیمه کلیز هـ هم نما نخل کیده او د نښه وخت و چې دواړه مفکورې او دواړه هدفونه په مناسبت وخت کې انعکاس وموند هود « (۱۹۲۳) کال د اکتوبر پر (۲۹) نیتی ماښام کله چې د ګډې ستنې صفر ته رسیدله دېو تسدیم وای په څلورم نمبر ماښام کې د لومړي ځل دپاره په فو کس هو س کې د آلمان د راديو غږ پورته شو چې داء، انانس وای ریدل شو چې داء برلین خپرونه ده، فو کس هو س د څلور سوه خپو په منځ کې ، ګرانو میړمنو او ښاغلو ! سرله اوس نه تاسی زمونږ سره یوځای دتفریحي پروگرامونو او موزیک په اوردو شریک یاست دغه ارتباط دبی سیم تیلیفون له لاری یارادېږو څپو په مرسته ټینګ شوی دی.)

په بیانو کې دتیلو رسولو مشهوره

په برلین کې د راديو ګانو بين المللی نندار تون دلويديز آلمان جمهور رئیس هایمن پخپله دینا سره پارچه دکرایزلر له خوا وغږوله شوه





دستپرو دلبت اونشرسیم په دوکانونو ممکن دی چه ددو خانگر و لودسپیکرو نو په وسیله او ریدل کیری

هغه وخت چه دباندنیو چارو وزیرو، یوه سره بنسټه پارچه یی بیان کړی وه چه درنگه تلویزیون د افتتاح کولو معنی لری په همدی ډول ۱۹۷۱ کال تخنیک بدی بریالی شوچه د کور لپاره تلویزیون یون یعنی هغه ډول تلویزیون چه د ریکارد په وسیله عکسونه او وینا وی څرگندوی منځ ته راغی، د متجسس انسان لپاره یی تردی اندازی پوری دسو کالی زمینه مساعده کړه او دغه هلې ځلې پسی لارواڼه ده.

دیرو نندار چیانو د عکس بنودونکی ریکارډونو لید نی لپاره دلچسپی ښکاره کوله، کوم چه دتلفونکن او انگلیسی ټلډک کمپنی په ګډه همکاري منځ ته راغلی دغه ریکارډونه په یوه دقیقه کی (۱۵۰۰) ځلې په خپل ګرد چاپیر څر څی (په داسی حال کی چه دعادی ګراما فون ریکارډونه په یوه دقیقه پاتی په ۵۸ مخ کښی

صفحه ۱۷

کوتاه و جالب خواندنی



انسان ارسطو!

معروف است که ارسطو انسان را برای شایستگی چنین تعریف کرده بود: «حیوان دوپا که بال ندارد».

روزی دیوژن فیلسوف مشهور بال های خروسی را بریده و خروس را آورده به مجلس ارسطو ها کرده گفت: اینك يك شاگرد جدید برای استاد.

دانستنیها

در اتحاد شوروی در هر دقیقه ۱۸۰ تن فولاد و یک میلیون کیلووات ساعت برق تولید میشود و نیز ساختمان ۴ اپارتمان نوییایان میرسد، درین کشور تعداد مهندسان دیپلوم دار که در اقتصاد ملی کار می کنند بیش از هر کشور دیگر است، و تعداد آنان بیش از یک میلیون ۸۰۰ هزار نفر است، از لحاظ داشتن کتاب و کتابخانه هم این کشور نسبت به هر کشور دیگری جلو است. فعلا بیش از ۳۶۸ هزار کتابخانه عمومی وقتی و با موجودی بیش از دو میلیارد و ۳۰۰ میلیون جلد کتاب و مجله وجود دارد که مردم بطور مجانی از آنها استفاده می کنند.

هیملر و داکتر معالج وی

درین اواخر کتابی از طرف يك داکتر آلمانی بنام هانس دیترش اوریس در باره هیملر نوشته و بزبان های مختلف بچاپ رسیده است. داکتر آلمانی درین کتابش ادعای کند که زماندار آلمان در نتیجه خوردن روهای نیروبخش که توسط داکتر معالج وی «مورل» تجویز شده

سه هنر مند در يك



سه هنر مند در يك شاهراه هنری

کار تزیین و پیرا ستن جاده ها به خاطر نما یانیدن انقلاب جدید ، شرکت مینمود . کارتون های جدید می کشید و آنهایی را که نه و فرسوده شده بود ، تجدید می نمود او موقع یافت تا در استودیوی هنری نام بنویسد .

در برابر سوالی که : «علت شمول شما به این موسسه هنری چیست؟» او پاسخ داد که : «نه به خاطر تمایلات شخصی خودم ، بلکه می خواهم تا سطح هنری توده ها را بلند بپریم .»

و این زمانی بود که هزاران دختر و بچه از سراسر کشور ، برای شرکت در حفظ نظام نوین ، گرد آمده بودند .

نیکو لای سکولوف قبل از شمول در استودیوی هنری به هزاران نوع شغل دست زد که هیچگونه پیوند با کار هنری آینده اش نداشت او در مشغول تولد یافت . در اوقات فراغت

زیرا در آنجا دیگر بویی از رژیم کهنه استشمام نمی گردید . باوجودیکه اودیرتر در امتحان شرکت نمود ، توانست تا در شعبه هنر گرافیک پذیرفته شود .

پورفری کریالف ، پسر يك کارگر هنر کارتولا ، به سن پنج سالگی پرسم نمودن شروع کرد . این شهر قدیمی روسیه به داشتن هنر مندانی که سر و کار شان به هنر های دستی بود ، شهرت داشت و خانواده کارگری کریالف به هنر علاقه داشتند .

پدر کلان پرفری يك فلز کارماهر بوده و پدرش با توجه هر چه بیشتر ، هنر او را فرا گرفته بود . او از زمانی که پدرش در فابریکه کار می نمود در کنارش متوجه کارهای او چگونگی کارش بود . زندگی هنری اش در سال های ۱۹۲۰ آغاز یافت . اودر استودیوی هنری یی که توسط فابریکه ایجاد شده بود مشغول فرا گیری هنر شده و در

آنان اکنون نیم قرن است که باروحیه خستگی

ناپذیر در این راه گامهای بلند بر میدارند.

اودر تاشکند رفت و در استودیوی مرکزی

هنر پذیرفته شد.

کلمه «ککرینسکی» نام واحدی است برای سه کارتون ساز معروف «میخایل کوپر یانف» پورفری کریالف و نیکو لای سکولوف» آنان هر سه پس از انقلاب اکتوبر ، در حالیکه هنوز شاگردان کوچک بودند گرد هم آمدند و يك شا همراه هنری را برای سفر بسوی قله شا مخ هنر کارتون سازی ، برگزیدند .

مادر میخایل کوپر یانف بیسواد بود ، و پدرش در دکانی زیر دست صاحب آن کار می نمود هیچیک از اعضا خانواده که در کنار دریا ی «والگا» در شهر «کازان» زندگی می نمودند ، توجه به آینده او

نداشتند با آنهم ، او در مکتب با ابراز شایستگی در رسا می ، جایزه نما یشگاه هنری رسا می را که از طرف مکتب ، دایر شده بود ، به خاطر نقاشی رنگ روغنی طبیعت به دست آورد . اولین مکتب هنری

میخایل ، تیاتر محلی بود که در آنجا به صورت اجیر ، تکت می فروخت و این در آغاز سالهای ۱۹۲۰ بود .

زندگی و خواسته های آن زمان گرسنه و تشنه نو آوری بود و جوانان ، جایی را می پالیدند که بتوانند بیا موزند و شکم را سیر کنند .

او به تاشکند رفت و در استودیوی مرکزی هنر پذیرفته شد . پس از یکسال تحصیل ، همراه با دیگر جوانان ، او را به اکادمی هنر پترو گراد (لنین گراد) فرستادند در آنوقت حوادث داغ مسکو تمام جوانان را با آنطرف می کشاند

آنان اکنون نیم قرن است که باروحیه خستگی ناپذیر در این راه گامهای بلند بر می دارند . بر علاوه ایجاد کار های هنری دسته جمعی و مشترک ، هر کدام از خود ، خصوصیات هنری جدا گانه ای را که نمایشگر سرشت دگر گونه هنری می باشد ، حایز اند .

سالهای کودکی این کارتون سازان



کارتون از ککرینسکی بنام «پیکا سو»

شاهر اد هنری



کارتونهای سیا سی ککرینسکی بطرف راست «چوکی خالی» و چپ
یک پو سته ضد جنگ

کردند. به هیچ رشته یی از هنر های زیبا نبود که این مثلث هنری ابراز لیاقت نمی نمودند آنان در هنر گرافیک نقاشی، مجسمه سازی و غیره دست باز داشتند.

بتاریخ ۲۲ جون ۱۹۴۱ نیروی مسلح فاشیست آلمان، بر شوروی حمله کرد.

بتاریخ ۲۴ جون، اولین پوستر ککرینسکی در جاده های مسکو ظاهر شد. نسل جنگ این پوستر هارا بخوبی بیاد دارند و می دانند که آنان چگونه بمردم شوروی اعتماد و باور کامل داشته و شکست دشمن را پیشبینی بودند. در همان پوستر های جنگی اولیه، ککرینسکی سعی نمودند تا هنر طنز علیه دشمن و نمایش قهرمائی مردم را بهم بیامیزند خانواده های ککرینسکی از مسکو منتقل گردیدند. در این جا که رطافت فرسای شان، آغاز یافت. آنان کار تونهای مجله ها و اخبار، پوستر ورقه های تبلیغاتی و حتی کاغذ هایی که روی غذا ها برای عساکر چسبانده میشد، کار می کردند.

بقیه در صفحه ۵۷

صفحه ۲۱

در روز های که برای تجلیل انقلاب اختصاص یافته بود، شاگردان تحت پرچم و پوستر خود شان که در آنها شعار های رزمنده نقشی شده بود، می گذشتند. در بالای پوستر های جشن ماسک های افتضاح وزراء و جنرال های تزاری دیده میشد هر سه کار تو نیست در کار ایجاد این، پدیده های هنری، دست داشتند.

دوستی بین این سه هنرمند از همان مکتب هنری آغاز یافته و در مسیر سالها رشد یافت. آنان می گویند:

«ما آنروزها را با سرور، خوشی و افتخار یاد می کنیم.

ما پس از درس شب در اتاق کوچکی گرد هم می آمدیم و برای اخبار های دیواری، کار تونهای بزرگ و رنگه میکشیدیم.»

در همان موقع کوپر یانف و کریالف ریزکار های مشترک هنری شان کلمه (کرسکی) مینوشتند و نیکولای سکولف زیر کار تون های اخباری اش کلمه «نیکز» می گذاشت. بالاخره در سال ۱۹۲۴ کلمه «ککرینسکی» که مجموع نام هر سه را در برداشت، زیر پوستر ها ظاهر گردید. در ظرف یکسال دیگر آنان شهرتی در عالم مطبوعات بدست آوردند.

در اواسط سالهای ۱۹۲۰ کارتونی های ککرینسکی کم کم در مجله ها شروع به نشر یافت. طنز آنان به شدت با کهنه نبرد میکرد، و هر چیزیکه در راه ساختمان نظام نو ظاهر میشد، با شدت می گویند ککرینسکی جوان، باوجو دیکه هنوز شاگرد بود، در قطار بهترین کارتونی سازان شوروی در آمده و آنان، به تحصیل نرفتند زیرا آنها شیوه روشن، جدا گانه و خلاق داشتند.

آنان درونمایه های نبض تند زندگی نو را در آثار شان رسم می

سعی می کرد تا از روی کار های هنرمندان پیشین، نسخه بردارد. او اولین آموزش حرفه یی اش را در استودیوی هنری آماتور دنبال نمود. بعد او درخواستی برای فراگیری بیشتر هنر به استودیوی خراج گرافیک تقدیم نموده و از جمله دو صد نفر شرکت کننده، چهل نفر آن پذیرفته شده و او نیز قبول گردید.

در حدود نود و هفت فیصد شرکت کنندگان از طبقه پایین بوده و استادان قدیمی به آنان که لباس زنده و مند رس داشتند، به نظر حقارت مینگریستند. اینان که به نسل کهنه تعلق داشتند، جوانان را با ریشخند و استهزا یزیرا میشدند ولی نسل جوان بزودی در همه ساحه های هنر گرافیک چاپ، ابراز لیاقت نموده و حتی در اوقات فراغت، پوستر های جدید رسم می نمودند. در مسیر زمان زندگی شاگردان شکل بهتر یافت. کشور از ویرانه های خرابی بر آمد مجله ها نشر شد، فروش برای تصاویر زیاد شد و زندگی در مکتب هنری پر هیجان بود.



تصویر کتاب «مادر» اثر گورکی

شماره ۳۹



میر من کاول سید هو

هنرمندان هند در افغانستان

عزیز (اورم)

رقص کتک از معابد شروع، بدر بار مغلان هند نفوذ و بالاخر هر قص

مردم هند شده است

که راجع به خود و گروپ هنری خویش صحبت کنند، میر من (کاول سید هو) که سمت ریا ست این هیئت را بعهده داشت چنین به سخن آغاز کرد: این گروپ هنری که در جمله هنرمندان آزاد هند به شمار میروند به کدام دسته رسمی از هنر مندان تعلق ندا شته تنها بارادیو و تلویزیون دلی همکاری داشته و گاهگاهی ازین طریق خدمات هنری را انجام میدهند وی گفت خردم که اصلا یک غزل سرا هستیم (نومری) که یکی از مقام های با ارزش موسیقی است نیز از رشته های بخصوص مسلکم را تشکیل میدهد من که نزد بیگم اختر استاد امیرحان و استاد منور علی خان درس خوانده ام نه تنها در داخل هندوستان هواخواهانی دارم بلکه در کشورهای خارجی نیز بخوبی مورد استقبال قرار گرفته و شنوندگانی را بخود جلب نموده ام.

این هیئت که گاهگاهی در کنفرانس های هنری خارج از هند نیز اشتراك مینماید مسافرت های خیلی طویل را نیز اجرا نموده اند مثلا چندی قبل به اضلاع متحده واکتر ممالک اروپا و آسیا می ژوندون

عبارت بودند از میرمن (کمودی لکيا) رفا صه کتک بنا علی ایتود سیای خواننده غزل و راگ های کلاسیک چمن لال خان ستار نواز و اقبال احمد خان سارنگ نواز، ابتدا سر صحبت را با دسته سه نفری هنرمندان شهر دلی آغاز کردیم. از آنها خواستم

سرایی مشهور و وینو د کمار طبله نواز و امیر علی خان ارمونیه نواز تشکیل میداد.

در دسته دومی که متشکل از پنج نفر هنر مندان مشهور هندوستان از شهر های آلا آباد و بمبئی بود

هفته قبل مردم کابل کانسرتی را دیدند که به هنرنمایی هنرمندان هندی برگزار گردیده بود.

این کانسرت هشت نفری در دو مرحله اجرا میشد که اولی آنرا دسته سه نفری هنرمندان شهر دلی که عبارت از میرمن (کاول سید هو) غزل



هنر مندان هندی در حالیکه استاد سر آهنگ در مجلس شان حاضر است با خبر نگار ژوندون در حال مصاحبه دیده میشوند



هنر مند هند در حال اجرای رقص کتک در سیتی کابل ننداری

های کلاسیک آشنائی و مهارت خوب دارند ولی بسا رقص کتک کمتر آشنائی دارند از فلم هائیکه اکثراً رقص کتک در آن دیده میشود میتوان از فلم پاکیزه یادآور شد که همه رقص هایش از همین نوع است گرچه در فلم همه اش را میناکاماری اجراء می نمود ولی در اصل چنین ... زیرا یکتا از هنر مندان بسیار مشهور هند که در همین رقص سرآمد همه است رقص را اجراء کرده و میناکاماری ظاهراً حرکاتی را تمثیل و به تماشاچی عرضه میکرد. باز هم سوال خویش را پیرامون رقص کتک آغاز کرده و گفتم که آیا بابالت ویا کدام نوع از رقص های اروپایی میتوان آنرا شباهت داد یاخیر گفتند از نظر حرکات دست يك ارتباط میان بالت اروپائیان و این بقیه در صفحه ۵۷



بهاغلی ایتو دیسای

شما خانمی هم است که رقص کتک را اجرا می کنند لطفاً در مورد خود و هنرش کمی صحبت نمایند که چنین تشریح کرد: میسر من (کمودنی لکیا) رقصه مشهور رقص کتک که شاگرد دبستان رقص کتک در شهر احمد آباد میباشد یکی از برآوازه ترین هنرمند در هندوستان است.

رقص کتک که مربوط به

نجوم و احکام نجوم

دانشی آمیخته به خرافات

ولی لازمه فهم ادبیات

سخنی چند درباره تقویم و تاریخ

را بخوانند، سخت لایعلم بود، هیچ چیز نمیدانست، بوریحان گفت: طالع مولو دداری؟ گفت: دارم طالع موالود بیاورد و بور یحان بنگر یست سهم الغیب بر حاق درجه طالعش افتاده بود تا هر چه میگفت اگر چه بر عمیا همی گفت «بصواب نزد یک بود».

«چار مقاله نظامی عروضی»

«حکایتست که بوعلی سیناروزی در بازار نشسته بود، روستایی بگذشت بره بهایی بردو ش گرفته بود، بوعلی پرسید که بره بچند؟ روستایی گفت بدینا ری بوعلی گفت: بره اینجا بگذار و مسا عتی دیگر بازی تابها بدهم، روستایی او را می شناخت گفت که تو حکیم عالمی چرا باید که اینقدر ندانی که بره درمقابل ترا و باشد تابها برنسنجی بره بخانه نبری بوعلی را از آن عجب آمد و او را اضعاف بهای بره بداد.

اکنون در کمال لطافت این سخن باید نگریست حالی خاطر مردم بیره رود که جانورست و بتر ازو که بدوزر بسنجند مراد روستایی خود

برج حمل و میزان بود چه این هر دو برابر یکدیگر اندو نادیده گفته است از جنس علم حکما و لایق بحال بوعلی «حدایق السحر رشید و طوطا»

وامثال اینها را دیده و خوانده اند و بسیار اتفاق افتاده است که برای فهم معنی و مفهوم اصطلاحاتی از نوع: سعد اکبر، تاثیر زهره و زحل بزغاله خوشه، داس کژدندان، کپکشان، عیوق، قران مشتری و ماه هقعه جوزا کنار خیل پرن، گردش آسمان، نگر یستن آفتاب از چهارم گزند بهرام و زهره، برابر شدن تیرو کیوان، رفتن عطارد به برج دو پیکر، نظاره گری زهره زهره، سوکواری ماه و مشتری، قران راس و مشتری طالع مولود، سهم الغیب، حاق درجه طالع، مقابله بره و تراز ویا حمل و میزان و جز اینها از اصطلاحات و تعبیراتی که در لابلاي متون اشعار و کتب قدیم فراوان دیده میشود به یاری جستن از اهل اطلاع و مطالعه فرهنگها و لغت نامه ها احتیاج پیدا کرده اند.

وای بسا که ساعتها از وقت خویش را بجستجوی اطلاعاتی درین باب صرف کرده و به زحمت بسیار راهی به دیهی برده اند. این تعبیرات و اصطلاحات، که سراسر د فساتر ادب پیشین ما از

امثال آنها انباشته شده است، هر کدام نماینده معنی و مفهوم می است که در یافت کامل آن وابسته به تحصیل علم نجوم و فهم اجمالی آن منوط به پرسش و استفسار از اهل اصطلاح یا مطالعه لغت نامه های علمی است.

همه کسانی که اهل مطالعه هستند و با آثار دل انگیز شعرا و نویسندگان پیشین آشنایی دارند، بدون شک اشعاری از این قبیل بر آسمان مکرمت از روشنا ن علم

چون مشتری به نور خرد سعد اکبرم

«انوری»

بگیر طره مه طلعتی و قصه مخوان

که سعد و نحس ز تاثیر زهره و زحل است.

«حافظ»

چشم بزغاله بر آن خوشه که خرمن کرده شب داس کژ دندان ز راه کپکشان نگینخته

«خاقانی»

بسوده دست جلال تو دا من عیوق

سپرده پای کمال تو ذروه اعلی

«سید حسن غزنوی»

گفتم که خواجه کی به سر حجله میرود

گفت: آن زمان که مشتری و مه قران کنند

«حافظ»

چون سه سنگ دیگیا به هقعه بر جوزا کنار

چون شرار دیگیا به پیش او خیل پرن

«منوچهری»

دگر گفت کز گردش آسمان پژوهند مردم شود بد گمان ز چارم همی بنگرد آفتاب به جنگ بزر گانش آمدشتاب ز بهرام و زهره است مارا گزند نشاید گذشتن ز چرخ بلند همان تیرو کیوان برابر شده است عطارد به برج دو پیکر شده است «فر دوسی»

یا جمله ها و عباراتی ازین دست:

«زهره زهرا بمطالعه آن مجلس بانو ۱ بر سقف گنبد خضر انظاره گر گشته و ماه و مشتری در غیرت پری و شان آفتاب پیکران سو کوار در میان خاکستر نشسته» «تاریخ جها نکشای جوینی» از مرو بر قتم بشغل دیوانی و به پنج دیه مروا لرود فرود آمدم که در آن روز قران راس و مشتری بود. «سفر نامه ناصر خسرو»

«..... چون بوریحان بخانه رفت و افاضل به تهنیت او آمدند حدیث فالگوی با ایشان بگفت عجب داشتند، کس فرستا دند وفا لگوی

پیدا کند و همچنان شاعرو نویسنده
بزرگ فرانسه در قرن نوزدهم
ویکتور هوگو (۱۸۰۲-۱۸۸۵) مولف
اثر بی مانند بینوایان معتقد بود که
سیاره زحل نحس است و در سر
نوشت انسانی تأثیر دارد تا اینکه
دانشمند معروف کا میل فلا ماریون
(۱۸۴۲-۱۹۲۵) بزحمت توانست
او را ازین عقیده باز دارد و تو خود
حدیث مفصل بخوان ازین مجمل
آنچه در سطور پیشین نوشته آمد
مقدمه ایست برای مطالبی که ازین
پس خواهد آمد و آن عبار تست از
نکاتی در معرفت تقویم و شیوه های
تنظیم آن و طرز استفاده از آن و رابطه
تقویم با تاریخ، اطلاعاتی در باره
روشنان فلکی و تصورات و اندیشه
های دانشمند آن گذشته و معاصر
در باره حجم و مدار و حرکت و دیگر
مختصات آنها، بعضی از فور مولها و
بقیه در صفحه ۵۷

ساعت طالع										ساعت	روز	ماه	سال	روز	ماه	سال	روز	ماه	سال
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰										
۷	۱	۳	۵																

یادی از رافایل شرقی (کمال)

و شاگردان

در حوزه هنری خوش گردمی آورد و پس از تشخیص استعداد و قابلیت هر يك، زمینه برای شگفتن گلهای استعدادشان مهیای ساخت، شرایط و وسایل لازم ایجاد و کار را فراهم می آورد و مهمتر از همه اینکه اسرار رموز فن سحر آمیز خویش را از آنان پنهان نمیداشت و آنچه را که در جریان زندگی آموخته بود بیدریغ در اختیار آنان می گذاشت.

کمال الدین بهزاد بصفت استاد چیره دست، با صفات عالی و گزیده انسانی شهرت داشت مردی خوش قلب و سخاوتمند و هنرمندی ژرف بین و خردمند بود از فن زدگری عمیقاً اطلاع داشت و می توانست ارزش انواع زر و جواهر گرانبها را دقیقاً تعیین نماید. او به تمایلات شخصی و خصوصیت های ویژه شاگردانش پی می برد و با رعایت آن همراه آنان رویه میکرد.

برای يك استاد این يك موفقیت بزرگ خواهد بود که بتواند شاگردان خردمند، فداکار و از صمیم قلب دوستدار علم و هنر تربیه کند و بکمال رساند. هرگاه استادی، قلبی فراخ، روح بزرگ و مملو از

صمیمیت داشته، دارای وسعت نظر عاری از بغل و حسد و درعین زمان دانا و زیرک باشد، نخست استعداد های بالنده جوان را سوی خود جلب

میکند و بلا وقفه در تربیه آنان صرف مساعی میکند و بسوی افقهای جدید دانش و هنر راه می نماید و بزوایای مجهول و کشف نشده آن رهبری میکند. فقط در همین صورتی شاگردان می توانند بمقام استاد نزدیک شوند و آنچه را که قدرت و ژوند

الدین بهزاد

ان هنر آفرین او

حیات استاد اجازه انجامش رانداه زوال ناپذیر است بهزاد پیشاهنگ
بانجام رسانند بدین سان دانش و تمثال برجسته استا دانی است
هنر هیچگاه راه زوال نمی پوید و که هیچگاه نام و شهرت شان زوال
سلسله ایجاد و ابداع آثار نفیس نمی پذیرد .
هنری قطع نمی گردد . يك ضرب در خلال قرنهای پانزده و شانزده
المثل شرقی میگو ید (استاد حقیقی و بعد از آن نیز شاگردان بهزاد در



مراسم دفن اسکندر

هرات ، تبریز ، بخارا ، سمر قند ، شیراز ، اصفهان ، هندوستان و دیگر شهر هایی بزرگ شرق مصروف کار و فعالیت بودند .

طوری که از منابع معلوم میشود ، روی یک تعداد مینا تورها ، بهزاد یکجا با شا گردان خود کار کرده است :

بعضا بهزاد طرح برخی تابلو ها را خود میریخت و یا کار تزیین و آرایش خودش آنها را بانجام می رسانید و سپس در دستر سس شا گردانش قرار میداد و شا گردان تحت رهنمایی استاد خود ، اثر مورد نظر را تکمیل میکردند .

برخی از نقاشان که پس از بهزاد می زیستند ، در ذیل ت

نسیم

من کیم؟ سر بسر فانی عشق
موج دریای تو فانی عشق

من کیم؟ شمع پروانه سوزی
خوشتن سوز و بیگانه سوزی

من کیم؟ آن نسیم سحرگاه
عشق را گشته ام قاصد راه

بر رخ دشت و صحرا وزیدم
دست مهر و محبت کشیدم

که بمعشوق گویم سلا می
من نسیم عشق را جز غلامی

خاک راحت نبودم؟ که بودم
سوخست از قهر توفان و بودم

نیست پر تا گشایم بسویت
نیست چمنی که بینم برویت

ای عجب زنده دیگر چرایم؟
«مصفا»

جان و دل کرده قربانی عشق
عشق بد مبداء و منتهایم

شمع جان سوز و جانانه سوزی
کز همه عمر یک شب بیایم

کز دل عاشقان هستم آگاه
قاصدی غیر او را نشایم

من بهر کوهساری رسیدم
من نسیم، نسیم صیایم

گاه زی عشق آدم پیا می
جز بر آن آستان سر نشایم

سر بیایت نسودم؟ که سودم
بیش میسند چندین جفا می

نیست پیکری که آید بکویت
نیست چمنی که بینم برویت



زیر نظر: گل احمد ادیب

رؤیا

خاموش در کنار بخاری نشسته ام
در انتظار او
رقصد به پیش دیده بی نور من همی
اندام شعله های طلایی و بیقرار

بر شیشه های پنجره باران نیمه شب
انگشت می زند
از دور در میان سیاهی و تیرگی
یکجفت بینوا
فریاد میکند

ناگاه در سکوت غم انگیز و مرگبار
از بین را هرو
آمد صدای خش خش پیراهنی بگوش
یک لحظه بعد در
آهسته باز شد

آن سیمین فرشته من گشت آشکار
پایش برهنه بود
دوگوش هم بدست
لبخند بر لبش
چشمان سحرکار و سیاهش پراز خمار

در پرتو چراغ تن مرمین او
در زیر پیرهن
آن تکه شفاف

چون پیکر مجسمه های الهه ها
میکرد جلوه دنگه برق خیزمن
بیدار می نمود هوسهای خفته را
برخاستم ز جای
تا بگریزم پیر
لیکن ز بخت بد
یکقطره چکک
بر جبهه ام افتاد و بجسمم زرخفتاب
دیدم که نیست جز خودم و سایه ام کسی
«محمود فارانی»

اگر...

...و اگر بکروز بیخبر بازگشت، باوجه بگویم؟
- بگو که تادم مرگ در انتظار او بود م. - و اگر مرا شناسد و باز از من چیز های
نازه بپرسد ...؟
- با او حرف بزن، مثل خواهر درد دل کن، شاید در دل خود رنج میبرد و سوراخ
همدردی میگیرد.
- و اگر بپرسد که تو کجا هستی، باو چه جواب بدهم؟
- این حلقه طلای مراد بوده، اما هیچ پاسخی مگوی.
- ... و اگر سوال کند که چرا تا لاخر خالی و خاموش است؟
- چراغ خاموش و درگشوده را بدو نشان بده. بگو که من لبخند بر لب داشتم،
می ترسم اگر چنین نگویی او اشک در دیده بیاورد.
«مورس مترلینگ»



باغبانی شاعر

کار عمر و زندگی پایان گرفت
کار من پایان نمی گیرد هنوز
آخرین روز جوانی مرد و رفت
عشق او در من نمیبرد هنوز

فهر کردم چند که با گلک خوش
گفتم این یاد آور یار منست
گردل ازین برگم برگیده ام
دل از آن یاری که او مار منست

روی گرداندم ز شعر و شاعری
باغبانی کردم و گل کاشتم
در چمن عارنج بر دم روز و شب
نرگس و مینا و سنبل کاشتم

گرچه در آن روزها هم خیره بود
بروخ من دیده بیداد او
لیک می گفتم چونکها بشکفت
میبرد از خاطر من یاد او

کم کمک ابر زمستانی گذشت
وقت ناز نرگس بیمار شد
غنچه های نرگس شپلا شکفت
دیدم ای افسوس چشم یار شد

موی او بود آنچه بر دم رنج او
ای عجب کان شاخه سنبل نبود
چشم او بود آنکه خورد از خون من
شاخه های نرگس پر گل نبود

وای من دیوانه ام، دیوانه ام
دوستان گیرید و زنجیر کنید
بینش هرجا و سیر از او نیم
مرگ اگر سیرم کند سیرم کنید
«دکتر حمیدی»

دسیننی تاو

یاسی دیار شونډی غناب ښکاری
یاچوې پسرلی شوچه گلاب ښکاری
په منډه منډه به یی دیدن لره غم
دیار دیدن راته ثواب ښکاری
آشنای مالګه پرهر ډول وی
څکمه می حال خراب خراب ښکاری
چېخیل ولیرسی هرډر لټوی
داسی ژوندون راته یی آب ښکاری
چېدوه یاران وی سره غاړه غړی
ورته عذاب کله عذاب ښکاری
درځو په خه رنگه په آرام اوده شی
چې د آدم غږ کښی رباب ښکاری
جانه به کوم کوم ځای محراب ښکاری
مانه دیارکوڅه محراب ښکاری
داڅو دیار دسیننی تاو دی خلقه
چې دفرمان زړګی کباب ښکاری
(لومړنۍ)

دسکاري نه ویره

دجهموري نظام څخه دهر کلي په خاطر

ملی وحدت
زه پښتون عسکر یمه ښه ښکاری
ستوری داقبال می راوچست شو چېمهور یست سره
ماته پښتنی مور به ویل زویه غلام نشی
هرک ځنی بهتردی چې نصیب شی شرافت سره
بیا یی راته ویلی زویه پام چې تل صادق اوسه
ډیره ډیره مینه کوه خپل ملی و وحدت سره
دایي آخر وویل ورځه اوس دی په خدای سپارم
خادتر خپل وطن شه ای بچیه په همت سره
«شین کلیوالی»

ستری مهشی

ای دځون زړګی درماته ستري مهشی
لوړ نظام او لوړ عزوانه ستري مهشی
ډیری سترګی په امید درته غوړی
دتحلو نه ډک ارمانه ستري مهشی
په نور دی اعتراف تمام جهان کړی
ای دلهر غونډی روښانه ستري مهشی
چې صفت دجهموري دزیم درکښی وی
«دفتون» دخو لی بیانه ستري مهشی
«کل نبي مفتون»

ددرنو مزه

مادروو سترګو مکیده ولیده
نظر نظر کښی می نشه ولیده
په یی خودی کښی میخان ته لارم
ساقی می هلته په سجده ولیده
ماوی راپاشه چېمچین دی ښکل کړم
ستا په تنډی کښی می کعبه ولیده
شکر دی دومره کنهکار خو یمه
چېمی گناه پسی توبه ولیده
دغه جلوی به دتغاب ستی کړی
که می بیاستا په مخ پرده ولیده
ستا دجفانه وفاګانی چار شه
ما په درونو کښی مزه ولیده
چېماته کوری دفرات په نظر
درقیانو می غصه ولیده
کاش چېمی سترګی غوړولی لهوی
دامی لایله تماشه ولیده
خه دزاهد پارسانه کم خو نه دی
که انسان خپله آینه ولیده
چېسلام نه اخلي جام دی بیرته واخله
پخپلو بدو کښی می ښه ولیده
چېدکوه شعرونه وایی آشنا
تا پکښی خه ریک فلسفه ولیده
«پیر موه»

دسکاري نه ویره

دساقی په لاس کښی جام دمیو ناب دی
مطرب ایښی په زانو باندی رباب دی
ته چې عاونه تو به وایی نا صحنه
په داوخت کښی چاڅه دتوسی تباب دی
زه چې ځان منع کوم دعشق له لاری
په داهسی کار کښی کوم سر دثواب دی
دا آسمان چې لوی په عقل کښی بالاشی
په محیط دعاشقی کښی یو حساب دی
هرچې زغوری سر او مال په عاشقی کښی
هغه کړی کور په مخکښی دسیلاب دی
ته چې خوب کوی په عشق کښی راته وایه
کوم چاکړی دزمری په خوله کښی خواب دی
بی عمل که کتاب کږدی په سرخه شو
گویا ایښی یی تر پښو لاندی کتاب دی
چې دشر دعملو نوله خیر غواړی
تشنه لب غونډی سر شوی په سواب دی
ددښمن د مکاری نه وویتر یزه
په تر می یی غلط مه شه سینګت آب دی
عبادت په شتاب هسی کړه رحمانه
لکه عمر چې دی تلونکی په شتاب دی
«رحمان بابا»

دسیننی پیغامونه

دبیلانو سره گلونه دی خوښ
د پتنگانو سره او رونه دی خوښ
دبی دودی دنیا پری څه خبریږی
ددرد مندلو خپل در دونه دی خوښ
بیغمه! خنده خندا ستا خوښه ده
زما داوښکو سیلابونه دی خوښ
دعاشقانو په تکلیف او آزار
دمعشوقو یی رحمه ژپونه دی خوښ
مسته لیلادی په سینګار کښی موڅی
زما شلیدلی گریوانونه دی خوښ
رقیب به خود په شیطانی مخکښی څی
چېد آشنای دپوتونه دی خوښ
دهرچا خوښه چې هرڅه خوښوی
زما دسیننی پیغامونه دی خوښ
دمحبت چې انسانی وی پکښی
دبختانی هسی شعرونه دی خوښ
(عبدالله)

افزوخته محفل

که ښکاره زما خاطر دلاله داغ کا
په ژبا به سترګی سری د گلوباغ کا
دجباب غونډی می ډک په آه سردګر
څوک زما په گور به بل څرنگه خراغ کا
افزوخته یی وی محفل په شان دشمع
چې سوخته دبل په کار کښی خپل دماغ کا
دگردش نوبت یی هیڅ په مارا نشی
که ساقی دزمانی ، فلک ایساغ کا
زنگ که هرکله شیدا دتبع جوهر خودی
دمګس په بال به څر تګ استغراغ کا
«کاظم شیدا»



نگارخانه



ترجمه: غا لمغالی

نوشته ژاک شیمتوف:

نیمه شب در هو تل

با چیز های عجیب زیاد مواجه میشوم
ضعف نکردم. ورقه مخصوص را
خانه پری کردم و کتابچه هو یتم
را برایش دادم. او در حالیکه فاتحانه
فاژه میکشید گفت: «اتاق نمبر ۱۲»
یقین داشتم که حالا کلیدی را بمن
میدهد تا بطرف اتاقم روان شوم
زیرا چطور امکان دارد که چنین
شخص مهربانی را بیشتر ازین
تکلیف داد؟ گرفتن کلید لازم بود زیرا
از کلکین هم نمیشد وارد اتاق شد،
بنابر آن برایش عرض کردم:
«ببخشین ... کلید را لطف می

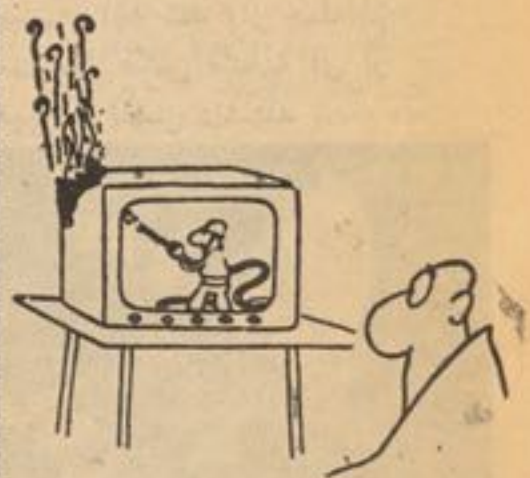
بدون اینکه بدروازه تک تک بزنم
داخل شدم، زیرا در هو تل هاجنین
چیزی رواج ندارد، خیلی نا وقت
است، امید واری زیادی ندارم پیش
خدمت هو تل سرش را بلند کرد و
چشمان خواب آلود خود را بمن
دوخت، میتوانستم از نگاهش بفهمم
که جوابش حتما مرا مایوس می
سازد. باز هم گفتم:

«ببخشین اگر «جا یکی» داشته
باشید ...
او خیلی کوتاه پاسخ داد:

«داریم
از خوشی غیر مترقبه ای که بمن
دست داد بعلمت این که درین او آخر

کنید ...؟
بسیار کوتاه جواب داد:
«حاجت کلید نیست ... دروازه

باز است ...
از اینکه بمن اعتماد کرده بود خیلی
باعث دلچسپی من شد. یک چراغ
کم نوردهلیز را به سختی روشن میکرد
در این روشنی کم رنگ من اتاق نمبر
۱۲ را یافتم ... دروازه را باز کردم
و خواستم برق را روشن کنم
سوچ را زدم ولی کوچکترین جرقه‌ای
از روشنی پیدانشد ... بار دوم ...
اوه که این برق هم چیز عجیبی
است ... بالاخره در دفعه ششم



بدون شرح

چطور بستر بیگانه ... من اتاق
نمره ۱۲ را گرفته ام پولش را هم
پرداخته ام ...
گفتم:

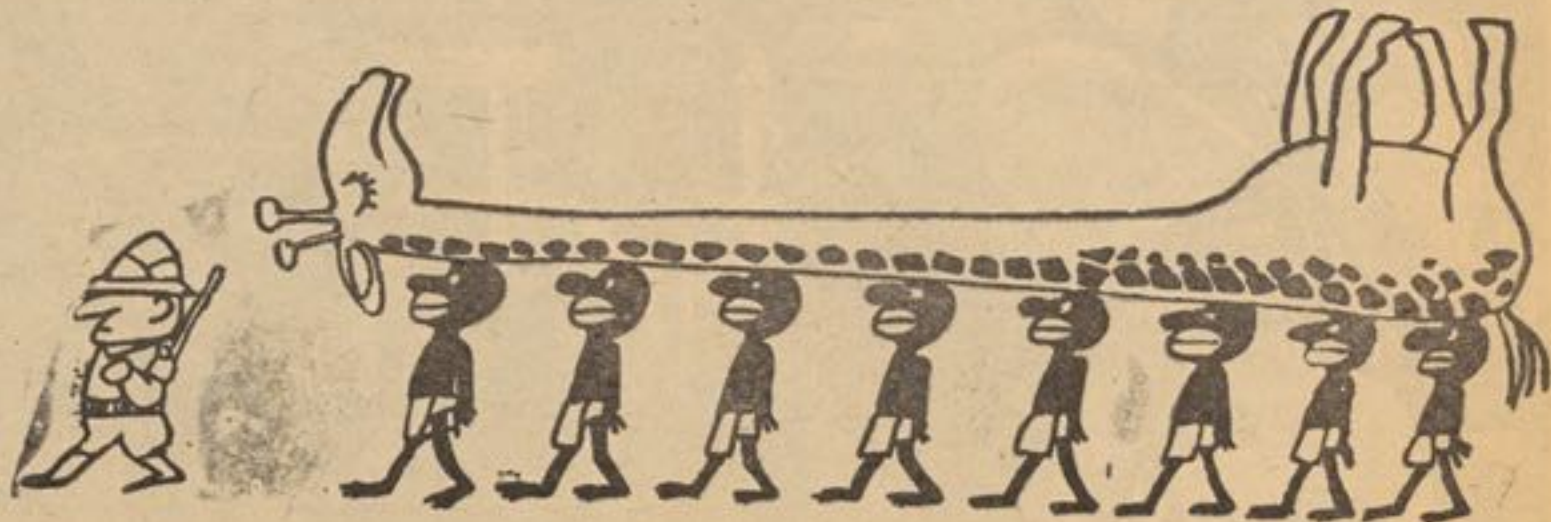
«من هم همین لحظه پول همین
اتاق را پرداختم ...
خواب آلوده گفتم:
«پس بخواب و مرا هم من هم
نشو ...»

توانستم اندک روشنی ایجاد کنم تا
بتوانم الماری لباس را پیدا نمایم ...
بعد از اینکه لباسم را بسرعت کشیدم
در بستر در آمد تا بخوابم، درین
وقت دستم به چیز نرمی تماس کرد
از جا پریدم ... آخر زنی در پهلویم
بود، درین زندگی چه لحظه‌ای هم
پیدا میشود. به اثر تماس دست
من آن موجود بخواب رفته پیدا رشد
گفتم:

«چه گپ است خانم ... شما این
جا چه میکنید ...»

زن پیگی دار و خواب آلود که نمی
توانست چشمان خود را باز نگه‌دارد
گفت:

«چه گپ ...؟ ... لطفا از بستر
من بیرون شوید آن زن بنظر من مثل
کمپیوتر آمد ... او عوض اینکه
جوابی بدهد سوال کرد.
«چرا اینجا آمدی ...؟»
«خانم ... شما در بستر بیگانه‌ای
قرار دارید ...»



«ببخشین مثلی که شماره ده کدام
جای دیدیم ... آخ

بدون شرح

یک افغانی فایده

روزی ده نفر از رفیق های ملا نصرالدین از او خواهش کردند که آنها را از دریا بگذرانند و در عوض از هر نفر یک افغانی بگیرد. ملاهم خواهش آنها را قبول نموده و سه نفر آنها را از دریا به سلامت گذشتاند و اما نفر دهم را به دریا غرق نمود. رفیق های او از ملا پرسیدند که چرا رفیق آنها را غرق نمود، ملا جواب داد: من هنوز یک افغانی برای شما فایده نمودم و شما خوش هم نیستید.

ارسالی: محمد اکبر «حیدری» از

خیرخانه مینه



شکاری ها !

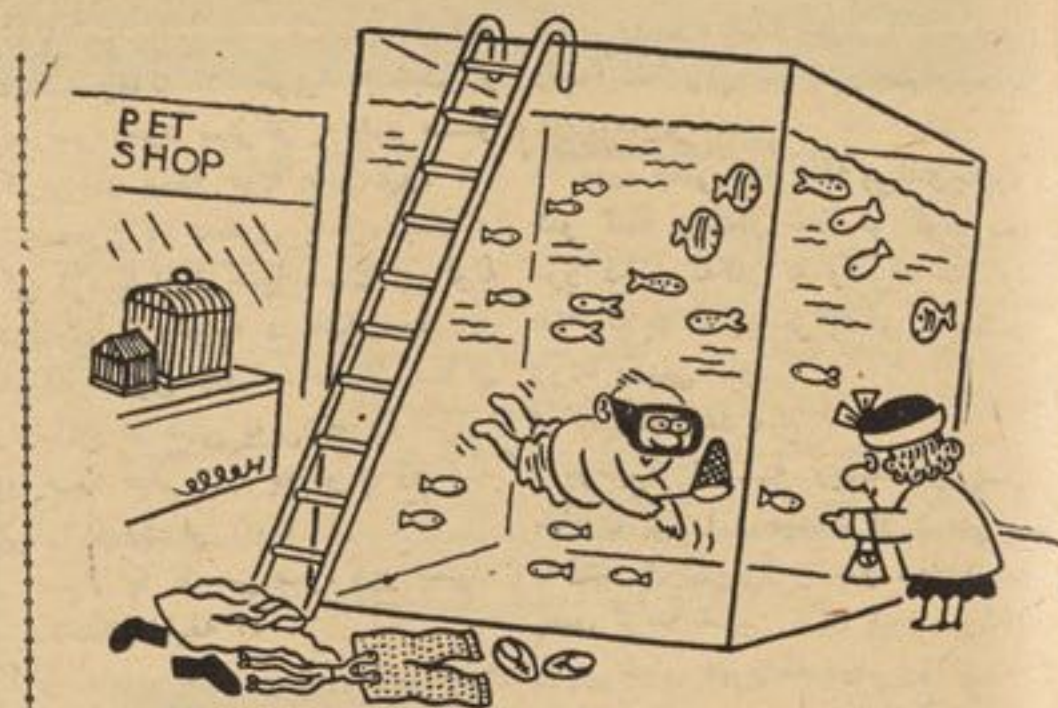
دردیوانه خانه

روزی داکتری به دیوانه خانه رفت و خواست که آنها را ببیند و ویکه رفت تمام دیوانه ها گفتند که ما جور و تیار هستیم و ما را رها کنید و بعد از آن داکتر گفت که من از شما سوال می کنم و بعداً از دیوانه اولی برسید که برو ببین که من در خانه هستم و یا خیر اورفت دیوانه دومی خنده بسیار بلند کرد. داکتر گفت چرا خنده کردی گفت: برای اینکه از تلفون کار نمی گیرد و در خانه شما می رود.

فرستنده: احمد فرید احمدیار



ماهیگیر شوقی



— اونوماهی ره میخوام

— بلی ... یک تربوز تازه نخوردیم
... هر چه خوردیم خام بوده — بلی
... اما حالا بستر نداریم ...
— حالا که نیست نیست ... فردا
درین باره فکر میکنیم ...

تجربه ثابت کرده که جدال در نصف شب فایده ندارد. حرف اورا ناچار پذیرفتم ... در گو شه بستر نشستم ... خانم پیکی دار گفت: — ولی هوش کنی که از سر حد اینطرف نیایی. گفتم:

— نترس من همیشه طر فـدار مقرارت رُنیو بوده ام او گفت: — پاهایت هم نباید به جا های «دیپلماسی» تماسی کند ...

اعتراض کنان گفتم: — تو مرا بی جهت به نقض مقررات متهم میسازی از اتاق بر آمدم و خود را پیش پیشخدمت خواب آلود رساندم و منفجر شدم. او گفت: — ببخشین ... غلط فهمی شده ... لطفاً به اتاق نمرة ۱۳ بروید ... آنرا برای یک اطریشی ریز رف کرده بودیم ... تا حال که نامده بعد ازین هم نخواهد آمد ...

سرم را تکان دادم و بطرف اتاق ۱۳ براه افتادم حال ببینم این اتاق ۱۳ چه ماجرائی برایم ببار خواهد آورد. «پایان»

هر چه نظر اندازی کردم دیدم غیر از همین یک چپر کت دیگر جای خوابی درین اتاق وجود ندارد. گفتم:

— من چطور میتوانم بخوابم ... در حالیکه در بستر من تو خوابیده ای؟

بعد از لحظه سکوت که منتظر جواب از آن ماشین کمپیو تر بودم زن پیکی دار با غمغم دشنا می به صاحب هتل داد و گفت:

این احمق ها یک بستر را دوبار فروخته اند ... حالا چاره چیست

موسم همینطور آمده ... — کدام موسم است ...؟

— موسم توریزم است ... هزارها توریست خارجی می آید و برای آن ها جا ریزرف شده ... مردم با اسعار می آیند ولی ما ...

— ولی ما آناناس های فرسوده شده و کیله های زرد شده را باید دندان بزنییم و باد نجان رومی های شاریده را و میوه های خام را قبول کنیم ...

خانم پیکی دار با نا امیدی حرفم را تائید کرد:

دم!

نایی پداسی حال کی چه خوواره
خپلی خپری گو تی په خیر نجامک
کی لندی خیشتی کړی، او دسری
په لاسی خیرن او تور خپ یسی و
موښو دلی هغه ته یی وو یل:
«چای درته راو غواړم؟»
سری پداسی حال کی چه مخا مخ
خیرنی او خو خایه ماتی هیندار ی ته
کتل شکریه وکړه او په غدر
غو ښتو نکي لهجه یی ور ته
وو یل:
«نه خیر یوسی، نه یی کوم.»
نایی بیاهم خپله چاره، خو خوواره
دخپل لاس په خپره رغوی تیر ه
کړه او خپلی تنگی تنگی سترگی یی
ژر ژر ور پولی او سړی ته یی چه
غهی سترگی، ارت تندی او ږ ده
پوزه، او غنم وزمی رنگ در لود،
له یوه اسو یلی سره وویل:
«هونو کیسه یی پاته شو...»
خبره می داکوله چه موږ روزگار
په خپیره وهلی یو... که نه خو ونه و
زموږ دوران و...»
سری په بریتو کی مو سکی
غوندی شو او دم یی وپو ښتنه:
«پخوا دی هم هستی درلوده؟»
اوسری «دا خبره نه وه کړی چه
یو موټر دتنگی اوله چقرو او ختو نه په
ډکی کوخی کی ډیر چټک تیر شو او
خه چه ختی اډ چقرو وی ددم هستی
ته یی وشنیدلی.»
دم په ناهیلی سره کوخی ته

ابراهیم حارس

هنرمند ناشناس

چون به هنر عشق فراوان داشتیم و دروس پوهنخی مانع کار هنری ام میشد

ابراهیم : هر بار يك لت را قبول کرده روی دیوار رسم میکردم.

ابراهیم حارس هر چند مشهور نیست ولی هنرمندی است چیره دست و بسادگی آثار حکاکی اش با طرح های جالب آمیخته ای است از زیبایی و طرافت و نموداری است از هنرهای باستانی مشرق زمین . وی آدمیست ساده و خون گرم ، بسیار هم باسلیقه . ابراهیم زاده سندیوی کارش که پس از چارهای انصاری و چارهای حاجی یعقوب واقع است ملاقات می کنم . دیکور اطافش دیدنی است ، مجسمه های ساخته ای خودش ، طرح چوبی روی دیوار و تابلوی یادگاری مقدس نگاه بیش از همه جلب نظر می نماید .

بدون مقدمه می پرسیمش :
من در خانه یکی از آشنایان تابلوی نقاشی سالیان بسیار پیش تراده ام . آشکار است که زمانی در نقاشی هم دست داشتی ، راستی تو چرا حالا نقاشی نمی کنی ؟
خنده اش میگردد ، میگوید :
باش جای برایت بیارم .
می رود و بعد از دقیقه ای چند پس می آید .
من سوالم را تکرار میکنم وی در حالیکه جای در پیاله می ریزد ، چنین پاسخ میدهد :
درست است ، من زمانی به هنر نقاشی سخت علاقمند بودم ، روی هر چیز و هر جا نقاشی میکردم ... اساسا من از آوان کودکی به نقاشی عشقی عجیبی داشتم وقتی کوچک بودم پردیوار های خانه با زغال رسم میکردم و پدرم وقتی میدید که دیوار ها سیاه شده سخت عصبانی می گشت و بنای لت

مردی با نقاب بقله

تا اینجا داستان :

گفتار مامور لایق پولیس به تعقیب سازمان بقله ها زندگی اش را از کف داد. **الک معاون کمیسر پو لیس به تشویق دیک گاردو ن به تعقیب مایتلند پیر که مرد موزی است میبرد.** رای بنت جوان که نزد مایتلند کار میکند، به اثر تشویق لولا بسا نوپارتمان لوکس به کرایه گرفته می خواهد به خدمت خود نزد مایتلند پیرخانه دهد و تلاش خواهرش برای ادامه کار او نزد مایتلند به کدام نتیجه نمی رسد و او را ترک میکند. **دیک از طرف وزارت خارجه انگلیس مامور حفاظت یک سند میشود. اما اسناد از سیف منزل لارد فار میلی بطرز اسرار آمیزی به سرقت میرود.**

و عدد ۲ یا نمره ۲ یا ساعت ۲ را می رساند. الک سوال کرد: «اما ام، کیست؟» دیک پاسخ داد: «غالبا میلز، مردیکه مادر واندلس روت توقیف کردیم. او اظهاراتش را تحریری بجا گذاشته است همین طور نیست؟»

الک متفکرانه اظهار داشت: «لااقل در پای آن امضا کرده است او در بین کاغذ هادو باره جستجو کرد پس از لحظه آنچه را بدید نبالش می کشید پیدا نمود. یک پاکت کوچک که توسط ماشین تایپ به آدرس گت. وی. هاگن نوشته شده بود و مهر پستخانه ناحیه را خورده بود. الک بدنبال دربان نفر فرستاد و وقتی او آمد از وی پرسید: درچه ساعتی پسته این مکتوب را آورده است.

دربان یگانه کسی بود که موقف



لباس ها را به روی صحن اتاق ریختند و دیوار چوبی داخل آلماری از پشت لباس ها نمایان شد و دیک با عجله و کنجکاوی کاغذ های روی میز را از نظر گذشتاند .

او با تعجب فراوان اظهار کرد (الك ! این کاغذ را ببین اعتراف میلز است از آن صرف دو کاپی بر داشته بودیم که یکی نزد منست و یکی در دفتر سکا تلند یا رد قید می باشد .)

در همین لحظه دیوار دروئی آلماری را شکستند و پولیس ها از دریچه ای که پشت آن پیدا شد به عمارت پهلوی هجوم بردند .

یک حقیقت فوق العاده جالب کشف گردید بدین معنا که یک دالان طولانی این عمارت را با تقریباً ۱۰ عمارت دیگر که پهلوی هم قرار داشت وصل میکرد و بزودی واضح شد که در تمام منازل تابه انتهای خیابان اعضای سازمان بقه ها زندگی میکردند و هر کدام آنها ممکن بود دارای نمبر ۷ باشند و این از دوازده منزل مایتلند در سایر عمارات چنین در پیچه از تباطی وجود نداشت بلکه صرف در دیوار های خشت پخته سوراخی احداث شده بود الك با نفس سوخته پس از بازدید سایر عمارت برگشته گفت: من تردید دارم که او را بدام انداخته باشیم ؟

دیک در جواب از الك پرسید : آیا کسی توانسته از اینجا فرار کند ؟

الك سرش را تکان داده پاسخ داد (متأسفانه افراد من جل



زنان و دختران



تنظیم مصرف خانواده

خوش خلقی نمک زندگی است



زنانی که زیاده از حد دقیق اند و مواظبت و دقت را به حد سواس می رسانند غالباً از یکنوع عقده «افزون طلبی» رنج می برند. اینها همیشه اصرار می ورزند که مثلاً کو دکان باید این طور و آن طور تحت قاعده باشند، با آن باید چنین رفتار

و مشکلات را با خوش خلقی و خوش بینی تلقی کردن، و در جزئیات و نکات کوچک پافشاری نکردن و در تحکیم مبانی عشق و محبت زن و شوهر تأثیر قطعی دارد.

باید برای چیزهای جزئی نیز قدر دانی کنید: مثلاً شبی که شوهر



هم تا نداند کار مصرف خانواده از کجا خراب است نمی تواند در راه بهبودش قدمی بردارد، در صورتیکه نداند چرا، چه چیز را چگونه می تواند از بودجه کم کند، صرفه جویی بر



متر جم: محمد حکیم نا هض

ختنه

موضوع ختنه و طریقی واریسی آن برای طفل خیلی مهم است که آیا يك پسر باید ختنه شود؟ اگر جواب این سوال منفی باشد پس چه نوع متوجه و مواظبت باید درین مورد بعمل آید؟ درین باره کدام جواب دیگری وجود ندارد. ختنه طفل (پسر) عبارت از قطع کردن يك قسمت پوست (پوست ختنه) نامیده می شود که بطور عادی بوده و زاید است. مفاد ختنه عبارت از پاک کردن و سودمند بودن (از لحاظ عملی) آنست يك ماده پشیر مانند (سمیگما) نامیده می شود پوست متذکره مترشح می گردد. وقتی که پوست قطع نگردد یعنی ختنه یا سنت نشود و بحال خود باقی بماند، ماده سميگما جمع می گردد.

بعضی اوقات بطور عادی مکروب این مواد جمع گردیده و به آهستگی اگر طفل خود را ختنه کرد پس

کافی است. اما در هر صورت برخی از خانمهای حسابی دوست دارند شویی و کارهای مشابه را در خانه همیشه این کار را دنبال کنند و انجام دهید و وجوه اینگونه خرج اطلاعات لازم در اختیار داشته باشند. اگر وقتی به شك و تردید افتادند که در راه خرید لباس و کفش و کلاه و جوراب و امثال آن زیاده روی کرده اند، بایک نظر بصورت مخارج و خرید، حقیقت مطلب فوراً دستگیرشان می شود.

آیا شما خانه راحت را به پوشیدن لباس فاخر و گرانبها ترجیح نمی دهید؟

آیا مایل نیستید اطو کردن و لباس از خانمهای حسابی دوست دارند شویی و کارهای مشابه را در خانه همیشه این کار را دنبال کنند و انجام دهید و وجوه اینگونه خرج اطلاعات لازم در اختیار داشته باشند. اگر وقتی به شك و تردید افتادند که در راه خرید لباس و کفش و کلاه و جوراب و امثال آن زیاده روی کرده اند، بایک نظر بصورت مخارج و خرید، حقیقت مطلب فوراً دستگیرشان می شود.

آیا شما خانه راحت را به پوشیدن لباس فاخر و گرانبها ترجیح نمی دهید؟

به لته طفل نه چسبید، مقدار خیلی بطور لیم یا مرهم پوست را روی يك پارچه گاز تعقیب شده که به اندازه يك تکه پوسته کلان باشد مالیده بدور جرحه به پیچانید. اگر زخم بالته که بدور بدن طفل پیچانده می شود، اصطکاک نماید یا مالیده شود و چند قطره محدود خون یا مایع گلابی رنگ به نظر خورد، قاطعاً تشویش نیست.

داکتر سبک علاوه می کند يك طریقه دیگر پاک نگاه داشتن زخم اینست که همه روزه پوست آن کشش کرده نشود. این عمل از يك طرف برای طفل دردناک و از جانب دیگر برای مادر تکلیف ده میباشد. مو صوف اضافه می کند که به عقیده وی این عمل چه از لحاظ روانی و چه از لحاظ فیزیکی قناعت بخش محسوب نمی گردد.

بخت ویز

نان بریان

سه دانه تخم مرغ را خوب بهم بزنید و نیم قاشق چای خوری نمک را به آن اضافه کنید. بعد دو سوم حصه يك پیاله شیر را طور جداگانه بجوشانید و به مایع مذکور ریخته و آنرا نگاه دارید تا به روغن را در آن بیندازید و توتوهای نان را در مایع فرو کرده، اندکی نگهدارید. سپس توتوهای نان را از مایع بیرون کرده در تابه باروغن سرخ کنید. وقتی که توتوهای نان سرخ گردید، کمی بوره و دار چینی بر روی آنها بپاشید و برای صبحانه شما بهترین خوراک است.



زنان پوست سیله قلب استدلال می کنند، نه پوست سیله مغز. «ماتیر آرنا»

بعضی زنان برای همه دلربا بایند وعده ای برای يك نفر، ولی برخی برای هیچکس دلبر نیستند! «جمز ماتیو باری»

زن همیشه عواطف مرد را احساس میکند، وقتی که مرد بزن عشق خود را ابراز میدارد، چیز تازه ای باو نگفته است. «آندره پوپیه»





شاگردان ممتاز



نام: عبدالله (شفا)
 صنف: نهم الف لیسه عالی
 حیثیه
 سن: ۱۵ ساله
 درجه: اول نمبر عمومی
 علاقمند: به ورزش
 آرزو: میخواهم در آینده داکتر
 طب شوم.



نام: غلام جیلانی سرور رحیمی
 صنف: ۱۰ لیسه عالی حیثیه
 سن: ۱۶ ساله
 درجه: اول نمبر
 علاقمند: به مطالعه
 آرزو: میخواهم تحصیلات عالی
 داشته باشم.

بایسکل جدید

جوانان محصل در پوهنتون (هول) واقع در انگلستان دست به اختراع تازه زده اند و این اختراع جدید آنها بایسکل بزرگی است که توسط سه عرابه و چندین پایدان و (چکر) و غیره لوازم که بایسکل دارا بوده، مجهز می باشد. غرض از ساختن چنین بایسکل اینست که آن عده از محصلین که



به اصطلاح هم طبع و به مذاق یکدیگر برابر اند برای آنکه همیشه یکجا بوده و سر و عده حاضر باشند چنین بایسکل را ساخته اند زیرا در گذشته در مواقع رخصتی های

طرح کننده : صالح محمد کپسار

جدول کلمات متقاطع

از این گلیمشه چه میفهمید



به این گلیمشه که از خطوط متعدد تشکیل یافته است بادقت نگاه کنید که آیا تصویری از اشعه آفتاب است یا قطعه ای از یک لباس یا چیز دیگر ؟
بهر حال در صورتیکه تشخیص دادید چیست ، ما را هم بیخبر نگذارید .

يك فور مول قدیمی

میدانید که سال قمری را که از محرم شروع و به ذوالحجه ختم می شود معمولا ۳۵۴ روز حساب می کنند ولی در هر چند سال يك بار آنرا ۳۶۵ روز بشمار می آورند این عمل از آن سبب صورت میگیرد که سال قمری در حقیقت ۳۵۴ روز و ۸ ساعت و ۴۸ دقیقه میباشد و باید کسر آن با افزودن يك روز به تعداد ایام یکی از سالهای آینده جبران شود .

اینك يك فورمول قدیمی را که در کلمات ذیل خلاصه میشود .

-بهزی جوح کادوط-

و با موضوع فوق مربوط است برای شما نو

کدام حیوانات



تصویری را که ملا حظہ میکنید از پیوند اعضای حیوانات مختلف بوجود آمده است، آیا میتوانید که هر یک از اعضای این معجون مرکب را بگوئید که از کدام حیوان دیگر بعاریت گرفته شده ؟

کتاب شناسی

در اینجا اسم چند کتاب و چند نویسنده را در کنار یکدیگر به نظر شما میرسانیم ولی باید توجه داشته باشید که هر کتابی اثر همان نویسنده ای که نامش در پهلوی نام کتاب آمده است نمی باشد و باید برای تشخیص موافقت حقیقی هر کتاب از حافظه و معلومات کتاب شناسی خود استفاده کنید :

بها رستان	ابوریحان بیرونی	تاریخ جهانگشای	الکساندر دوما
اخلاق ناصری	ملاحسین کاشفی	ترجمان البلاغه	جویسی
اخلاق محسنی	سعدی	گلستان	رادو یا سی
فیه ما فیه	جامی	سه تفنگدار	ابر کا مو
بینوایان	خواجه نصرالدین	جنگ و صلح	ویکتور هوگو
التفهیم	مولانا جلال الدین	بگانه	تولستوی

این مرد کیست ؟

این شخص نه کدام هیپی، نه کدام زندانی و نه کدام مرتاض هندی می باشد، او از بهترین و مشهور ترین خوانندگان اروپاست که میلیون ها صفحه از آواز هایش بفروش رس

حس خوش

در شماره های گذشته خواندید:

«واندا» دختر بیست و هفت ساله شرکت عطسروشی يك وكيل دعوى بنام (ژيو) كار ميكند. يكي از هممنفې هاي دوره شاگردى اشراست ميرود، و تصادفاً در آنجا يك هممنفې سابق ديگرش را كه «موريس» نام دارد و راكه يك بچه دلپسند است نيز ملاقات ميكند. (موريس) و «واندا» متقابلاً به يكديگر ابراز دوستي نموده و بعد از چندي باهم ازدواج ميكند. يك روز «واندا» ميگويد كه انتظار طفلي را دارد و ديگر نمیتواند كار كند. اما «موريس» بخاطر معيشت خويش و همسرش در پهلوي درس، بعد از چاشت كار ميكند چندين روز بعد طفل تولد ميشود. اما (ايرين) همينكه ميشنود «موريس» بعد از چاشت كار ميكند، متاثر ميگردد. و اينك بقيه داستان :





یادی از افایل...

به بهزاد و شاگردان وی که در لای نسخه خطی متعدد موجود در کتابخانه‌های اروپا، آمریکا و آسیا و یا در کتبیونهای شخصی وجود دارد، نسخه‌هایی برداشته شده، بشکل البومهایی تدوین گردد و هر یک ازین آثار از نظر علمی تحت مطالعه و ارزیابی دقیق قرار گیرد، در آن صورت ممکن است یک مقدار معلومات دقیق و کاملتری راجع به بهزاد و مکتب هنری وی بدست آورد چنین کار دقیق و پیگیر می‌تواند پرابلم بس مهم و مبرمی را که در هنر تصویری شرق بنا م (عنعنات و نوآوری) یاد میشود، تا حدی روشن سازد و این مسئله اهمیت آنرا دارد که توجه شرق شناسان و علاقمندان آرت و هنر شرق را سخت بخود معطوف سازد و اهتمام آنانرا جهت پی‌بردن به راه حل علمی آن سوق دهد.

ما طی این نوشته با در نظر داشت حجم مقاله‌ای که برای خوانندگان ملال آور نباشد، در مورد نقاشان و مینا تورستانی که منسوب بمکتب هنری بهزاد اند معلومات عمومی و بس مختصری بخوانندگان تقدیم و معروفترین شاگردان ویرا معرفی مینمائیم:

۱- سلطان محمد: این نقاش معروف مینا تورست چیره دست یکی از شاگردان ممتاز و پر استعداد کمال‌الدین بهزاد است شرق شناسان در باره زندگی و آثار سلطان محمد معلومات بغایت ناچیزی دارند او

بقیه صفحه ۴۴

چطور میتوانیم از کم

فکر کنید ناچار تسلیم میشوید. پس وقتی که مجدداً حالت اولیه خود را بدست آورید و بدینا ب حرکت گردید منتظر تحریک ثانوی باشید ولی این بار مصمم شوید که باین تحریک تن در ن

بدتر از مرگ

شدید بود ادست . اکنون خودت فکر کن من تنها حدس زده‌ام چه من و الیاس تمام شب را يك لحظه از ماهی گیری فارغ نشدیم . الیاس داخل صحبت شده بتایید اظهارات گفت :

— باید شکار ما را از نزدیک ببینی میشود آنرا بهترین شکار فصل بحساب در آورد شاید این باور قدیم گریح بوده و سبب گشایش در شکار شده است .

ستادرد بخا موش گوش فرا داد و وضعی ندانست که مباحته را طولانی کرد ، حتی موقعی که باطیاره کوچک بحری بسوی «پسر» پرواز کرد ، باز هم از حرف زبانی شنیده نشد . اما در دل از یکسو بخاطر اینکه قضیه را از او پنهان داشتند نسبت به پسر خاله اش و گریح احساس خشم میکرد و از جا نمی ایستاد . از اینکه انتقام سرافینو گرفته شده بود ، راضی معلوم میشد . ولی در هر حال پله ناراحتی اش بر رضایتش می چربید .

حتی اینکه هم به او توضیح ندادند که آنها درین ماجرا چه نقشی بعهده داشته‌اند لاجرم این ناراحتی رابه خاموشی استقبال کرد .

در آن موقعی که سوار مو ترخود بود با آنها روبرو شد گریح را باخود بپوتلی که در «پسر» اجاره کرده بود ، برد در دا ستاورو بسوی گریح روگرد و گریح به زبان انگلیسی وبا آواز خیلی پست برای اینکه راننده چیزی نپهد به او گفت : راستش از اینکه چرا ترا

اعلامیه جهانی حقوق بشر

عقاید خود بیم واضطراری نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن بتمام وسایل ممکن بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

ماده بیستم -

(۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد.

(۲) هیچکس را نمیتوان مجبور و شرکت در اجتماعی کرد.

ماده بیست و یکم -

(۱) هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

(۲) هر کس حق دارد بانسای شریعت، بمشاور عمومی کشور خود نمایل آید.

(۳) اساس و منشأ قدرت حکومت اراده مردم است. این اراده بوسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و برای مخفی یا طریقۀ ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین نماید.

ماده بیست و دوم -

هر کس بعنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماع عسی دارد و مجازست بوسیله مساعی ملی و همکاری بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزاده شخصیت ادبیت بازعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد.

لشکرگاه و طلای ..

به مزارع و مراتع شادابی مبدل میشود .

دشت بزرگ و وسیعی بود ، پژواک ادامه داد :

متخصصین در تحقیقات ابتدائی تأیید کردند که خاک این دشت برای زراعت مساعد است و با استفاده از آب نهر جدید شان میتوان در قدم اول سی و پنج هزار جریب زمین را زیر کشت آورد .

شباغلی پژواک هنگام بازگشت از مناطق مذکور موثرهای را که بیشتر از حد معمول بار کرده بودند و مردم را روی هم انباشته بودند ایستاده کرده به قوماندانان منیه هدایت میداد تا به این موضوع رسیدگی کنند .

نظریات مفید و عالمانه پوهاند پژواک ممکن است در اندک مدتی تغییر محسوس در آن ولایت بمیان آورد .

بقیه صفحه ۱۳

هنرمند یکده روش ...

بدست میگرفت و کار میکرد وی معتقد بود که الهام بخودی خود نمی آید و نیازمندی به بسیار کار کردن و تمرکز دادن افکار دارد . سوابق نسکی اندرزی را که خود در ایام شاگردی در مدرسه فرا گرفته بود همیشه بخاطر داشت و به دیگران نیز گوشزد میکرد :

«نیپل پرتراکم» یعنی (هیچ نی بجز هنر) .

چشم سالگرد صد مین سال تولدی ماکس سوابینسکی که با آثار ارزنده و برارنده وی حیات ملی را غنی ساخته است و شهرتی که نقاشی های وی ملواری سرحدات کشور خودش حاصل کرده است بانسان مجال میدهد که بقدرت جاودانه هنرعالی و اوصولی که از احساسات عمیق و هنرمندانه اش منشأ میگردد به تامل و اندیشه فرو رود .

نوشته ی - چار و سلوا کبیچیک بمناسبت صد مین سالگرد تولدی ماکس سوابینسکی «تولد ۱۷۹۱-۱۸۷۳ وفات ۱۰۲۲-۱۹۶۳» که از طرف یونسکو برگزار شده بود .

یادی از رافایل

۶ - مقصود نقاش : این رسام معروف و مینا تورست بنام نیز از زمره پرورش یافتگان (نگارستان) (آکادمی هنر) هرات میباشد که توسط بهزاد رهبری میشد مقصود نقاش در اواخر دوره حسین بایقرا حیات بسر میبرد و به فن نقاشی اشتغال میورزید .

۷ - یوسف ملا : این رسام مینا تورست نیز از شاگردان مکتب بهزاد است و در اواخر قرن نهم و اوائل قرن دهم هجری (واخر قرن ۱۵ و اوائل قرن ۱۶ میلادی) میزیست .

۸ - رستم علی : یکی دیگر از شاگردان مستعد بنیا نگار مکتب هنری هرات است که در زمان حکمرانی سلطان حسین بایقرا در هرات و تبریز حیات بسر میبرد و بحیث خطاط ماهر و رسام توانا شهرت داشت این هنرمند در عین شاگردی خواهر زاده بهزاد نیز میباشد نمونه های خط زیبایی که توسط خامه توانا و افسونگر رستم علی نوشته شده بودند در آن روزگار در هرات ، تبریز ، سمرقند و دیگر شهرهای مهم شرق شمرتی فراوان داشت و در بین علاقمندان هنر خطاطی دست بدست میگردد .

۹ - شیخ زاده خسروانی : یکی از چهره های درخشان منسوب به مکتب هنر تصویری تبریز که توسط بهزاد اساسگذاری گردید ، رسام و میناتورست معروف و شیخ زاده خسروانی است او فن رسامی را در تبریز از بهزاد آموخت و تحت رهبری مستقیم وی چون نقاشی و میناتورستی موفق بکمال رسید .

۱۰ - شاه مظفر : این رسام و مینا تورست از جمله شاگردان هرات کمال الدین بهزاد است . شاه مظفر هنگام جوانی در آسمان علم و فرهنگ هرات چون ستاره تابناک میدرخشید و بحیث شاعر و مفکر در سلك ماورین دولت قرار داشت و از تربیت یافتگان دست علیشیر نوانی بود او در اوج ایجاد و آفرینش هنری ، هنگامیکه گلپای استعدادش تازه بشگفتن آغاز کرده بود ، در ۲۴

بهزاد میخواستیم این نکته را به خوانندگان عزیز یاد آور شویم که هم اکنون يك تعداد نقاشان و مینا تورستان چهره دستی وجود دارند که اسلوب نقاشی بهزاد را متناسب با ایجابات عصر و زمان به نحو خلاق ادامه میدهند و درین زمینه بموفقیت های درخشان رسیده اند از جمله ادامه دهندگان سنن تصویری بهزاد ، استاد حسین بهزاد (ایران) محمد سعید مشعل ارشاد سلجوقی (افغانستان) و چنگیزاحمدوف (ازبکستان شوروی) و یکده نقاشان و مینا تورستان با استعداد دیگر را میتوان یاد آوری کرد .

آثار نفیس و درخور ستایش که توسط انگشتان هنر آفرین این پیروان مکتب تصویری بهزاد در سده بیستم آفریده شده یکبار دیگر بما اطمینان میدهد که این دبستان هنری با تمام دقت و ظرافت خود و با تمام فسونکاری هایی که طی بیش از پنجاه سال ، ملیونها علاقمند آرت و هنر را در شرق و غرب گرویده خود ساخته و بزرگترین کتابخانه های جهان رازینت بخشیده است ، هماهنگ با گذشت زمان بحیات خود ادامه میدهد و یکجا با شرایط زندگی انسانها راه تکامل میبوید و هم اکنون در وجود بهزاد ها ، مشعلها و احمدوفها سیمای جاودان رافایل شرق (کمال الدین بهزاد) را درخشان نگه میدارد .



مسؤول مدير :

نجيب الله رحیق

معاون روستا باختری

ددفتر تيلفون : ۲۶۸۴۹

دکور تيلفون ۳۲۷۹۸

مهمتم علی محمد عثمان زاده

پته : انصاری واپ

داستراك بیه

به باندنیو هیوادو کبسی ۲۴ دالر

دیوی گنی بیه ۱۲ افغانی

به کابل کبسی ۴۵۰ افغانی

دولتی مطبعه

يك تخفيف بزرگ در فروشگاه بزرگ

فروشگاه بزرگ افغان تقديم ميکند

بيايد براي خود وفاميل خود از بهترين بوتهاي تازه وارد جديد خريداري نمايد.



مشترين محترم !

فروش بوتهاي مردانه ، زنانه ، بچه گانه ، دخترانه و طفلانه وموزه هاي زمستاني زنانه بتيهت هاي خيلي ارزان و باجنسيت عالي تا

شعبه ي عيد سعيد اضحي ادامه دارد .

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library